نظری به شوراهای کارگری

در ایران، شوروی و چین

نقدی بر جزوهٔ

«آیا شوراهای ما شوراهای لنینی است؟»

www.iran-archive.com

نشر مبارز

نوشته :

«گروهی از کارگران مبارز»

تیر ماه ۱۳۵۸

سه‌رفیق تنگ‌نظر بعد از کوشش بیهوده در دنیای علم مارکسیسم ـ لنینیسم و خواندن آثار گروهها وسازمانها در مورد شورا و سندیکا با تحلیلی معرضانه وسطحی، جزوه "آیا شوراهای ما شوراهای لنینی است" رانوشته‌اند. همه نیروهای انقلابی میهن ما و در راءس آنها کارگران پیشرو و مبارز به خوبی میدانند که دولت موقت بازرگان و وزارت‌کار، کمیته‌مرکزی خائن حزب توده و خائنین سه‌جهانی سردمدار حرکت ضدشورایی در ایران بودند.

نوک تیز حمله‌ی نویسندگان‌این جزوه علیه کارگران تکنوکار می‌باشد. کارگران‌مبارزی که کارفرمای‌خود راتا بجایی‌کشاندند که اوعاجزانه درروزنامه‌ها و وزارت کار فریاد "چه‌کنم، چه کنم" سرداده و ملتمسانه در روزنامه‌ها می‌نویسد که: "امیداست مرجعی برای بررسی صحت و سقم مسائل عنوان‌شده دخالت نماید". (پیغام‌امروز، دوشنبه، ۲۸خرداد۵۸) این التماس عاجزانه از سوی‌کارفرما که در جواب به‌نوشته کارگران تحت عنوان "مارا با کارفرمای ضدانقلابی اشتباه نگیرید" نوشته شده بود، از سوی وزارت کار مورد اجابت واقع شد واین حامیان قانونی سرمایه‌داران مفتخور و مزدور سعی کردند به‌کمک سرمایه‌دار بدبخت و بیچاره بشتابند.

نویسندگان این تحلیل با تحریف واقعیتهای موجود و دروغ‌گویی بسیار به‌این نتیجه می‌رسند که: "در مرور به‌سابقه مبارزاتی کارگران تکنوکار به

www.iran-archive.com

چیزی بالاتر از مبارزات اقتصادی برنمی‌خوریم که آن هم در سطح بسیار نازلی بوده و درکل می‌توان‌گفت که چندان‌مبارزه‌ای نداشته‌اند" و "شورای کارخانه از وزیر کار گدایی میکند و حزب توده وار از دولت التماس دعا دارد حداکثر در کوره راه‌های پارلمانتاریسم قدم فرسایی می‌کند. بسوی دروازه رویزیونیسم قدم برمی‌دارد، چهره‌تمام‌عیار اکونومیستی دارد واز درگاه بورژوازی دریوزگی‌میکند."

از آنجائیکه این صفات فقط و فقط برازنده سندیکاهای فرمایشی و ساواکی‌است و رفقا شورای کارگران تکنوکار را با این‌نوع سندیکاها عوضی گرفته‌اند و ناجوانمردانه‌به آن تهمت‌های بیجا زده‌اند، ما سعی می‌کنیم در سه‌بخش نظرات‌خود را دراین مورد بیان کنیم.

۱ــ شوراهای کارگران درایران و نظری به‌مسئله شوراها درچین و شوروی

۲ــ چگونه شوراها همه خلقی می‌شوند؟

۳ــ پاسخ به تحریف‌ها و تهمت‌های جزوهٔ "آیا شوراهای‌ما..." ونظر کوتاهی به مبارزات کارگران تکنوکار.

www.iran-archive.com

فصل اول

شوراهای کارگری درایران‌ونظری به‌مسئله‌شوراها درچین و شوروی

مسئله شوراهای کارگری را جدا از مسئله‌مبارزهٔ طبقاتی در جامعهٔ ما و سرنوشت انقلاب دمکراتیک ضدامپریالیستی میهن ما نباید طرح کرد. بدون درنظر گرفتن چگونگی‌مبارزه طبقاتی و راههای پیشبرد انقلاب ومبارزه قاطع علیه امپریالیسم و ارتجاع، بحث درمورد شوراهای‌کارگری و یاهر مسئله دیگری نمی‌تواند به‌هیچ وجه به یک نتیجه‌گیری و رهنمود اصولی که راهگشای مبارزهٔ طبقاتی خلقهای ما باشد، برسد و درنهایت امر به یک سلسله بحثهای روشنفکرانه و درازگویی غیراصولی که‌هیچ ربطی به‌مبارزهٔ طبقاتی ندارد منتهی میشود.

مسئله اساسی جنبش‌انقلابی خلقهای مادر شرایط کنونی که‌مستقیما" به پیروزی انقلاب دمکراتیک و ضدامپریالیستی ایران یا حاکمیت مجدد امپریالیسم و ارتجاع مربوط میشود، مسئله چگونگی نابودی قطعی حاکمیت ارتجاع و امپریالیسم زخم‌خورده ولی نابود نشده است. خلقهای قهرمان میهن ما در طول سالهای اخیر د رجنبش مشروطه، جنبش سالهای۲۰ـ۳۲ و مبارزات سالهای ۳۹ـ۴۲، بارها ضربات و زخمهای بسیاری بر پیکر امپریالیسم و ارتجاع وارد کرده‌اند ولی‌هربار امپریالیسم و ارتجاع با استفاده از نقاط ضعف جنبش دوباره حاکمیت مجدد خود را برخلقهای ما برقرار کرده‌اند.

www.iran-archive.com

مبارزات اخیر خلقهای ایران علیرغم آنکه ضربات محکمی برپیکر امپریالیسم خونخوار و ارتجاع پوسیده وارد کرده و هرچند سلطنت منفور پهلوی را به قبرستان تاریخ فرستاده است ولی بعلت ضعف طبقاتی رهبری جنبش و نبودن رهبری طبقهٔ کارگر و تزلزلات و ناپیگیریهای خرده‌بورژوازی و سازشکاریها و خیانتهای بورژوازی لیبرال، انقلاب در نیمه راه متوقف‌مانده و هم‌اکنون مسئلهٔ پیشبرد این‌انقلاب ناکام و نابودی قطعی حاکمیت امپریالیسم و ارتجاع در پیش روی ما قرار دارد.

ولی مبارزه برای‌نابودی قطعی حاکمیت امپریالیسم و ارتجاع را در شرایط کنونی میهن ما چگونه‌میتوان پیروزمندانه به‌پیش برد؟ نیروهای‌انقلابی میهن ما و در راءس آنها کمونیستها باید به‌این سئوال‌ها پاسخ روشنی بدهند.

اگر طبقهٔ کارگر و زحمتکشان ایران در مبارزات اخیر بار بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه را به‌منزل رساندند، اساساً به‌این‌علت بود که فاقد حزب طبقاتی خود بودند و نبودن حزب طبقه کارگر باعث شد که توده‌های وسیع کارگر و بقیه نیروهای انقلابی‌عمدتاً به‌ذخیرهٔ بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه تبدیل شوند. و هدف بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی مرفه نیز سهیم شدن در قدرت سیاسی و معامله و سازش با امپریالیسم بود.

امانبودن حزب‌کمونیست و رهبری طبقهٔ کارگر ایران باعث نمی‌شود که سازمانها و گروه‌های م.ل دست روی‌دست گذاشته و راه را برای انجام توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع بازگذارند.

درست است که طبقهٔ کارگر ایران فاقد حزب طبقهٔ خوداست ولی حزب طبقه کارگر درجریان مبارزهٔ طبقاتی طبقهٔ کارگر علیه‌امپریالیسم و ارتجاع بوجود می‌آید. ایجاد حزب جدا از مبارزهٔ طبقاتی‌ای که در جامعه جریان دارد یک تخیل واهی‌است. اگر حزب کمونیست محصول تلفیق سوسیالیسم علمی با مبارزهٔ طبقاتی طبقهٔ کارگر است، دراینصورت اگر مبارزه طبقاتی طبقهٔ کارگر با یک قیام توده‌ای مواجه باشد، حزب درجریان‌این قیام می‌تواند بوجود آید. حزب طبقهٔ کارگر یک‌کانون روشنفکران جدا از توده

www.iran-archive.com

نیست که بدون ارتباط با مبارزه طبقاتی ایجاد شود، حزب در جریان مبارزه طبقاتی ایجاد میشود .هنگام حمله فاشیستهای ایتالیائی به‌آلبانی دراین کشور حزب کمونیست هنوز تشکیل نشده بود ولی درجریان مبارزهٔ ضد فاشیستی بود که حزب بوجود آمد .

درمورد ایجاد ارگانهای‌مستقل توده‌ای‌منجمله شوراهای کارگری نمی‌توان به‌بهانهٔ نبودن حزب طبقه کارگر، از نظر اصولی ازایجاد آنها و یا تدارک برای ایجاد آنها خودداری کرد .

گفتیم مسئله‌اصلی‌ای که‌امروزه در پیش روی ما قرار دارد مسئله به‌پیش بردن انقلاب و نابودی قطعی حاکمیت امپریالیسم وارتجاع‌است . واگر این‌امر بدرستی پیگیری نشود نه‌تنها انقلاب دمکراتیک ـ ضدامپریالیستی ما به پیروزی قطعی‌نمی‌رسد بلکه همهٔ دست‌آوردهای بدست آمده نیز نابودمیشود .

از آنجائیکه حاکمیت‌امپریالیسم و نظام سرمایه‌داری وابسته درایران نابود نشده است، به‌محض اینکه مبارزهٔ‌انقلابی توده‌ها فروکش کند، امپریالیسم وارتجاع دوباره سنگرهای ازدست رفته را فتح می‌کنند :

" حکومت مطلقه تزار بهمان نسبتی که فشار طبقه کارگر و مبارزهٔ توده‌ها ضعیف میشد بتدریج فتوحات طبقهٔ کارگر را یکی پس از دیگری از وی باز می‌ستاند" ، " فقط مبارزه خودکارگران و فقط مبارزهٔ مشترک میلیونها نفر قادربانجام این‌عمل (نابودی‌حکومت مطلقهٔ‌تزار وقدرت مطلقهٔ‌سرمایه‌داران) بوده و به‌محض‌اینکه چنین‌مبارزه‌ای رو به ضعف گذاشته بلافاصله پس‌گرفتن آنچه که کارگران بدست آورده بودند آغازگردیده است . . . " . (لنین، آثار برگزیده، ص۳۰۱)

در شرایط کنونی کشور ما سئوال بی‌نهایت مهمی که در رابطه با پیشبرد امر انقلاب و جلوگیری از حاکمیت مجدد امپریالیسم و ارتجاع مطرح شده‌این است که آیا دولت موقت، شورای انقلاب‌و کمیته‌ها قادر بانجام این کار هستند ویا باید برای پیشبرد انقلاب، توده‌ها ارگانهای‌مستقل قدرت خود را که هیچ‌وابستگی‌ای‌به قدرت دولتی نداشته باشد و مجری خواستهای خود توده‌ها و نه تحت فرمان دولت باشد، بوجود آورند؟ به‌عبارت دیگر مسئله

به‌این‌ترتیب مطرح می‌شودکه آیا دولت موقت با توجه به ماهیت و ترکیب طبقاتی آن می‌تواند انقلاب را بجلو سوق دهد ویا اینکه توده‌ها باید خود تحت رهبری سازمانهای طبقاتی خود و به‌رهبری طبقه کارگر بانجام‌این مهم بپردازند؟

برای یافتن پاسخ به‌این سوءال اساسی در درجه اول باید به‌مبارزهٔ طبقاتی موجود در جامعه (البته با توجه به راهنمایی اصول عام م.ل) توجه بکنیم.

مسایل اساسی انقلاب ایران را می‌توان دراین موارد خلاصه کرد:

۱ــ قطع کامل نفوذ سیاسی ــ اقتصادی ــ نظامی و فرهنگی امپریالیسم و نابودی نظام سرمایه‌داری وابسته و شیوه‌های تولیدی ماقبل سرمایه‌داری.

۲ــ حل مسئله خلقهای ستمدیدهٔ میهن ما و تامین‌حق تعیین‌سرنوشت برای آنهادر رابطهٔ مستقیم با انقلاب ارضی.

۳ــ حل مسئله ارضی از طریق‌انقلاب ارضی و اجرای شعار "زمین ازآن کسی است که آنرا میکارد".

۴ــ تامین آزادیهای دموکراتیک برای طبقات و اقشار انقلابی.

آیا دولت موقت تاکنون در تئوری و عمل به‌کدامیک از این خواسته‌ها پاسخ مثبت داده است؟

در شرایطی که‌دولت موقت به‌جای قطع نفوذ امپریالیسم و نابودی نظام سرمایه‌داری وابسته با تمام وجود میکوشد این نفوذ واین‌نظام را با اصلاحات نیم‌بندی ازخطرمرگ و بحران نجات‌دهد و سرگرم‌تحکیم و تقویت‌سرمایه‌داری وابسته دولتی است، در شرایطی که دولت و کمیته‌ها فئودالها را علیه دهقانان مسلح میکنند و ارتش ضدخلقی نیز به کمک "برادران" خود، مالکین بزرگ می‌شتابند و به‌کشتار دهقانان دست می‌زنند، در شرایطی که دولت موقت و پیش‌نویس قانون‌اساسی با حق تعیین سرنوشت و خودمختاری خلقهای ستمدیدهٔ ایران قاطعانه مخالفت می‌کنند، در شرایطی که دولت موقت وباندهای فاشیستی دست پروردهٔ وی آزادیهای دمکراتیک را در معرض نابودی قرارداده‌اند، درچنین‌شرایطی انتظار و امید اینکه‌این دولت انقلاب

www.iran-archive.com

دمکراتیک ـ ضدامپریالیستی ایران را به سرانجام برساند و جنبش انقلابی خلقهای ما را به‌جلو سوق دهد حماقت محض و خیانت است و کسانی که این توهمات‌را میان توده‌ها تبلیغ می‌کنند کاسه‌لیسان دون‌صفت ارتجاع وامپریالیسم و بورژوازی هستند. مبارزهٔ طبقاتی‌ای که هم‌اکنون در جامعه بین نیروهای مختلف در جریان است، خود بهترین راهنمای عمل است.

درروستاها، دهقانان درکنار ژاندارمری و بقیه‌موءسسات دولت وکمیته‌ها ـ که اکثرا" و در بعضی مناطق تماما" مرکز قدرت مالکین هستند، دست به ایجاد سازمانهای مستقل خود زده و شوراها و اتحادیه‌های دهقانی را ایجاد کرده‌اند. بهترین نمونهٔ آن را می‌توان در کردستان و گنبد مشاهده‌کرد.

دولت موقت بنا برماهیت طبقاتی خود نه‌تنها نمی‌تواند و نمی‌خواهد این شوراها را به‌رسمیت بشناسد بلکه باتمام وسایل در راه سرکوب و نابودی این ارگانهای مستقل قدرت توده‌ای می‌کوشد (یکی از هدفهای ارتجاع‌ودولت در ماجرای سنندج، نقده، گنبد، مریوان و خرمشهر ضربه‌زدن به ارگانهای مستقل قدرت توده‌ای و بویژه شوراهای دهقانی بود).

در ارتش نیز هم‌اکنون مبارزه میان دولت و جناحهای حاکم در ارتش از یکسو و نیروهای انقلابی موجود در ارتش (بویژه همافران) بر سر ایجاد ارگانهای مستقل قدرت نظامیان درجریان است و دولت می‌کوشد بهر طریق که شده از ایجاد و استحکام این شوراها جلوگیری کند.

در بعضی از اداره‌های دولتی نیز به‌نسبت‌های مختلف همین درگیری بر سر ایجاد شوراها از طرف کارمندان ازیکطرف و مخالفت با آنها ازطرف دولت ازسوی دیگر درجریان است (مثلا "شورای موءسس رادیو و تلویزیون که علیرغم تمام ضربه‌ها و خرابکاریهای مقامات‌رسمی هنوز پابرجا است).

در کارخانه‌ها نیز مبارزهٔ دولت و اعلامیه‌های بلندبالای بازرگان و وزارت کار درمخالفت با شوراها معروف خاص و عام است ولی مخالفت‌دولت موقت با شوراها براساس اصول عام م.ل نیست!؟ بلکه براساس منافع طبقاتی بورژوازی است.

البته ما مدعی نیستیم که شوراهایی که دربعضی کارخانه‌ها بوجود آمده

یا درحال بوجود آمدن است مانند شوراهایی است که درروسیه ایجاد شده بود. مبارزهٔ طبقاتی درکشورهای مختلف شکلهای مختلف دارد واشکال‌مبارزه درهمه جا یکسان نیست.

خلقهای ستمدیدهٔ کرد و عرب و ترکمن، برای ازبین بردن ستم ملی و حل مسئلهٔ ارضی، خود مستقلانه دست به‌فعالیت زده و خود با ایجاد کانونها و شوراهایی که ارگان قدرت انقلابی خلقهای‌ستمدیده هستند، قدمهای بزرگی در راه اجرای خواسته‌های انقلابی خود برداشته‌اند. و بی‌دلیل نیست که دولت موقت و ارتش ضد خلقی به‌کمک پلیدترین عناصر مزدور رژیم سابق در کنبد، کردستان و خوزستان درصدد نابودی کانون‌هاوشوراهای مختلف خلقهای ستمدیدهٔ ایران هستند.

بنابراین واقعیت عینی مبارزهٔ طبقاتی در میهن ما به‌روشنی نشان می‌دهد که در سطوح مختلف توده‌های زحمتکش و نیروهای انقلابی در حال ایجاد و تحکیم ارگانهای مستقل قدرت خود هستند و این کانونها و شوراها و تشکیلات مستقل توده‌ای مطمئن‌ترین و یگانه تضمین پیشبرد جنبش انقلابی خلقهای ما و تنها ابزار مقابله و مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع هستند. دولت موقت هم که به‌دلیل ماهیت طبقاتی خود بیشتر از آنکه به توده‌ها و مبارزهٔ انقلابی آنها متکی باشد به‌نیروهای ضد خلقی متکی است، همه‌جا در حال مبارزه با این ارگانهای مستقل قدرت توده‌ای می‌باشد. درحقیقت درمیهن ما درحال حاضر در بعضی از مناطق مانند کردستان و کنبد وترکمن‌صحرا، قدرت دوگانه‌ای بوجود آمده و این دوقدرت با یکدیگر درگیر مبارزه مرگ و زندگی شده‌اند.

بهمین‌دلیل است که به‌نظر ما امروزه برخوردنیروهای انقلابی‌وکمونیستها به‌ارگانهای مستقل قدرت توده‌ای از اهمیت خاصی برخورداراست وبه‌هیچ وجه نباید به‌این مساءله به‌شیوه‌ای یکجانبه و سطحی برخورد کرد و از تجربهٔ کشورهای دیگر عینا" نمونه‌برداری کرد. چون شکل مبارزه طبقاتی در جامعه ما نه کاملا" به شوروی شبیه است و نه به‌چین. انقلاب دمکراتیک ـ ضد امپریالیستی میهن ما علیرغم در برداشتن خصوصیات عام این‌نوع انقلابها

www.iran-archive.com

در عصر امپریالیسم ، از ویژگیهای خاص خود برخوردار است و به‌همین دلیل برای بررسی مسائل این انقلاب و تعیین رهنمودها و شعارهای درست ،بجای نمونه‌برداری از تجربه‌کشورهای دیگر باید در پرتو اصول عام م .ل برخورد مشخص به اوضاع مشخص، صف‌بندی نیروها و مبارزه طبقاتی در میهن‌خودمان بکنیم ، البته در این راه ضروری است که از تجربهٔ کشورهای دیگر نیزاستفاده شود ولی نباید از آن‌ها کپیه‌برداری کنیم . همانطوریکه درکتاب تاریخ مختصر آمده است : " ممکن است چنین به‌نظر آید که فراگرفتن تئوری مارکسیسم ـ لنینیسم به‌معنی آنست که نتایج و احکام چندی از آثار مارکس ـ انگلس ـ لنین را با نیت پاک بیاموزند و یاد بگیرند که چگونه بموقع خود از آنها نقل قول کنند و در این امید که این نتایج واحکام فراگرفته شده، برای هر وضع و شرطی ، در همهٔ پیش‌آمدهای زندگانی به‌کار می‌رود ، آسوده‌خاطر گردندولی چنین رفتاری نسبت به تئوری مارکسیسم ـ لنینیسم به هیچوجه درست‌نیست" و " فرا گرفتن تئوری مارکسیسم ـ لنینیسم به هیچوجه بدان معنی نیست که فرمولها و نتایج آن‌را از بر کنند و در هر حرف با این فرمولها و نتایج در آویزند . برای فراگرفتن تئوری مارکسیسم ـ لنینیسم مقدم برهمه ، تشخیص بین کلمه و ماهیت کلمه‌را باید آموخت .

فراگرفتن تئوری مارکسیسم ـ لنینیسم عبارت از آن‌است که ماهیت‌این تئوری را در بر گرفته و آموخت که چگونه باید درمورد حل مسائل عملی‌جنبش انقلابی و شرائط‌گوناگون مبارزه طبقاتی پرولتاریا از آن استفاده‌کرد " . (تاریخ مختصر حزب بلشویک روسیه ـ ص ۴۲۴)

و " مارکس و انگلس پیوسته از برنمودن و تکرار ساده " فرمولها " را که تازه در بهترین شکل خود می‌تواند وظایف عمومی را پیش‌پا بگذارد که در نتیجه وضع اقتصادی و سیاسی مشخص هر مرحلهٔ خاص تاریخی تغییرشکل می‌یابد ، منصفانه مسخره کرده چنین می‌گفتند : " تعلیمات ما شریعت جامعه نیست بلکه راهنمای عمل است . . . " لازم‌است به‌این حقیقت مسلم پی بردکه مارکسیست باید زندگی زنده ، آثار دقیق واقعیت را درنظر گیرد . نه اینکه در تئوری روز پیشین‌در آویخته دنبالش کند . . " . (لنین ، جلد ۲۰ ، ص ۱۰۰ ـ

www.iran-archive.com

۱۰۱، نقل از تاریخ مختصر حزب بلشویک روسیه، ص ۴۲۸)

لنین درمورد چگونگی ادامهٔ انقلاب به توضیح اشتباهات پرولتاریا و توده‌ها و بی‌ثمربودن اعتماد آنها به بورژوازی و ضرورت ابتکار عمل مستقیم توده‌ها توجه خاصی می‌نماید و بدیهی است که این امر در شرایط کنونی میهن ما که انقلاب درحال درجا زدن و عقب‌کرد است نیز صدق می‌کند:

" نمی‌توان انقلابی را به پیش راند که متوقف گشته، در عبارت‌پردازی غرق شده و مشغول " درجازدن " است و آنهم نه بدان علت که موانع خارجی وجود دارد و نه بدان علت که بورژوازی به قوه قهریه متوسل گردیده است (کوچکف عجالتا " فقط تهدید می‌کند که علیه تودهٔ سربازان به‌قوهٔ قهریه متوسل خواهد شد)، بلکه بدان علت که توده عدم آگاهی توام با زودباوری از خود نشان می‌دهند.

فقط با مبارزه علیه این عدم آگاهی آمیخته با زودباوری (و علیه‌آنهم می‌توان و باید منحصرا " بر زمینهٔ مسلکی و اقناع دوستانه و اشاره به تجربه زندگی مبارزه کرد) ما می‌توانیم از چنگ عنان گسستگی جمله پردازیهای ـ انقلابی که رواجی تام دارد رها کردیم، خواه آگاهی پرولتاریا، خواه آگاهی توده‌ها، خواه ابتکار جسورانه و قاطع آنها را در محل‌ها و نیز عملی ساختن و تکامل و تحکیم خودسرانه آزادیها و دموکراسی و اصل تملک همگانی کلیهٔ اراضی را پیشرفت دهیم " و:

" سران خرده‌بورژوازی " باید "اعتماد به‌بورژوازی را به‌مردم بیاموزند، پرولترها هم باید عدم‌اعتماد نسبت به‌بورژوازی را به‌مردم بیاموزند ". (لنین، منتخبات آثار، ص ۴۶۰)

در اینجا لنین به‌روشنی برای پیش‌بردن انقلاب تاءکید می‌کند که باید در کنار مبارزه با توهمات توده‌ها نسبت به‌جمله پردازیهای شیادانه بورژوازی و از بین بردن اعتماد توده‌ها به بورژوازی، ابتکار جسورانه و قاطع توده‌ها را در محل‌ها تشویق کرد و عملی کردن و تکامل و تحکیم خودسرانه و اجرای آزادیها و دمکراسی و تقسیم رایگان زمین بین دهقانان‌را تبلیغ و اجرا کرد. امروزه ایجاد شوراهای دهقانی در روستاها که بطور خودسرانه و علیرغم

www.iran-archive.com

خواست و اقدامات دولت به‌عملی کردن دموکراسی و تقسیم زمین دست‌میزنند از جمله ابتکارات جسورانه و قاطع توده‌هاست که باید تشویق و تحکیم گردد، ایجادکانونها وجمعیت‌های مختلف که در برگیرنده توده‌های زحمتکش‌خلقهای ایران است نیز از جمله اقدامات خودسرانه برای عملی ساختن دمکراسی و آزادی است و تشکیل شوراهای واقعی در ارتش و کارخانه‌ها و ادارات دولتی نیز از جمله همین اقدامات هستند و این اقدامات نه روی کاغذ بلکه در عمل در صحنه مبارزه طبقاتی درحال شدن هستند و وظیفهٔ ما کوشش در راه ایجاد و گسترش و رهبری و تحکیم آنها می‌باشد.

ایجادوگسترش این‌سازمانهای مستقل توده‌ای جدا از خواست‌ها وزائیدهٔ ضروریات عینی مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع هستند. دهقانان وقتی ببینند که دولت موقت بجای تقسیم زمین بین آنها مالکین را علیه آنهامسلح می‌کند و ارتش را به‌جان آنها می‌اندازد، خواه ناخواه درصدد ایجاد شوراها و اتحادیه‌های مستقل خود بر می‌آیند و به شیوهٔ انقلابی به‌تقسیم زمین و اجرای خودسرانه دمکراسی می‌پردازند. در کردستان حتی اتحادیه دهقانان در بسیاری از نقاط دست به تشکیل ارتش مسلح دهقانی نیز برای مبارزه‌برعلیه ارتجاع و امپریالیسم زده است. خلقهای ستمدیده نیز وقتی به‌جای خود ــ مختاری و زمین، توپ و تانک و گلوله از دولت دریافت کنند، طبیعی است که به‌فکر ایجاد ارگانهای مستقل قدرت خود می‌افتند.

وقتی نیروهای انقلابی ارتش با همان اطاعت کورکورانه و سلسله‌مراتب و فرماندهان ارتش شاهنشاهی روبرو شوند، طبیعی است که بفکر ایجاد شورا در ارتش می‌افتند. و کارگران نیز هنگامی که با همان سرمایه‌دارهای مرتجع ومزدور انحصارات خارجی و همان قوانین رژیم مزدور شاه و نیروی ویژهٔ ساواکی و ضد انقلابی روبرو شوند باید به‌فکر ایجاد تشکیلات مستقل خود برآیند، در غیر این‌صورت نه‌تنها دست‌آوردهای نیم‌بند بدست آمده نابود می‌شوند بلکه زمینهٔ حاکمیت کامل امپریالیسم و ارتجاع فراهم می‌شود.

لنین برای مبارزهٔ واقعی بر ضد ارتجاع و برای پیروزی قطعی انقلاب دمکراتیک می‌گوید:

" هرکس بگوید کارگران، بمنظور مبارزه با ارتجاع تزاریسم، بایدازدولت جدید پشتیبانی کنند . . . آنکس به‌کارگران و راه پرولتاریا و امر صلح و آزادی خیانت ورزیده است . . . خیر برای مبارزهٔ واقعی بر ضد سلطنت تزاری، برای تاءمین واقعی آزادی، که فقط در گفتار و فقط منحصر به مواعید و شیرین ـ زبانیهای میلیوکف و کرنسکی نباشد، دولت‌جدید باید ازکارگران "پشتیبانی" کند نه کارگران از دولت جدید ! زیرا یگانه تضمین آزادی و نابودی قطعی تزاریسم تسلیح پرولتاریا و تقویت، بسط و توسعه نقش، اهمیت و نیروی‌شورای نمایندگان کارگران است، ما بقی ـ همه عبارت پردازی و دروغ و خودفریبی سیاست بازان اردوگاه لیبرال و رادیکال و نیرنگ شیادانه است. به تسلیح کارگران کمک کنید و یا لااقل مانع این عمل نشوید ـ در این‌صورت آزادی در روسیه مغلوب نشدنی وسلطنت غیرقابل احیاء و جمهوری تاءمین خواهدبود.

و درغیر این‌صورت کوچکف‌ها و میلیوکف‌ها سلطنت را احیاء نموده و مطلقاً " هیچ یک از آزادیهای موعود را اجراء نخواهندکرد. تمام‌سیاست‌بازان بورژوازی در کلیهٔ انقلابهای بورژوازی وعده و وعید به‌مردم "خورانده" کارگران‌را تحمیق نموده‌اند.

انقلاب ما بورژوایست و به‌این‌جهت کارگران باید از بورژوازی پشتیبانی کنند ـ اینست آنچه که پترسف‌ها، گوزدف‌ها و چخیدزه‌ها می‌گویند و اینست آنچه که پلخانف دیروز می‌گفت.

ما مارکسیست‌ها می‌گوئیم ـ انقلاب ما بورژوازی است و به‌این جهت‌باید چشم و گوش مردم را در مقابل فریب سیاست بازان بورژوازی باز کنند به‌مردم بیاموزند که بحرف باور نکنند و فقط به‌نیروی خود به تشکیلات خود، به‌اتحاد خود و به تسلیح خود متکی باشند". (لنین،آثار برگزیده، ص ۴۴۹)

لنین باتوجه به ماهیت طبقاتی بورژوازی ضرورت ایجاد سازمانها و تشکیلات مستقل توده‌ای را گوشزد می‌کند ومعتقد است بدون‌وجود آنهاشکست انقلاب و بازگشت ارتجاع حتمی است. تجربه جنبش مشروطه و سالهای ۳۲ نیز شاهد همین امر است.

در این جنبشها بعلت نبودن رهبری طبقهٔ کارگر، رهبری جنبش‌بدست

www.iran-archive.com

بورژوازی و خرده‌بورژوازی افتاد و آنها نیز به‌دلیل تزلزلات و ناپیگیری و ناتوانی خویش در امر مبارزهٔ قاطع علیه ارتجاع و امپریالیسم، از یکسو از اوجگیری مبارزات توده‌ها جلوگیری کردند و از سوی دیگر زمینهٔ حاکمیت مجدد دشمن‌را فراهم ساختند و اگر دشمن به‌راحتی توانست سنگرهای ازدست داده‌را دوباره فتح کند، به‌خاطر آن بود که با نیروی متشکل و نیرومندی‌روبرو نبود. توده‌ها بدون تشکیلات و دست‌خالی و با انبوهی از توهمات بورژوایی و با وجود اعتماد به رهبری غیرپرولتری جنبش درواقع درمقابل یورش‌ارتجاع خلع سلاح شدند.

ما هم‌اکنون با درس‌گیری از اصول عام م.ل و تجربهٔ انقلابی خلقهای خودمان نباید شکست‌های پیشین‌را دوباره تکرار کنیم.

دولت موقت که از همان روزهای نخستین به مخالفت با قیام و خیانت به آن در مقابل توده‌های خشمگین و مسلح ایستاد و نقش‌چوب زیر بغل‌امپریالیسم را ایفا کرد، در این مدت نشان داده که نه انقلابی است‌ونه‌دمکرات.

در پشت شعارهای عوام‌فریبانه و بظاهر انقلابی این‌دولت چهره‌منحوس و منفور مالکین مرتجع، سرمایه‌دارهای وابسته، افراد قیادهٔ موقت‌وامیران آمریکائی ارتش ضد خلقی به خلقهای ما پوزخند میزنند و پشت سرجملات دمکرات مآبانه دولت موقت چماق گروههای فاشیستی، و سرنیزه و مسلسل ارتش ضد خلقی و نیروی ویژه و رکن دوم و ساواک چشم را خیره می‌کند.

استالین می‌گوید:

" یکی از خصوصیات ویژهٔ جنبشهای انقلابی، مثلا" در فرانسه، این واقعیت غیرقابل انکار بوده که حکومتهای موقت معمولا" در این کشورها در سنگرها بوجود آمده و به‌همین دلیل انقلابی بودند، بهرحال انقلابی‌تر از مجلس موءسسانی که این حکومتها بعدها تشکیل داده و معمولا" بعد از " بازگشت به‌آرامش" کشور تشکیل می‌شوند. به‌همین دلیل‌آگاه‌ترین‌انقلابیون آن زمانها می‌کوشیدند که برنامهٔ خودرا به‌کمک حکومت انقلابی، پیش از انعقاد مجلس موءسسان و با عقب‌انداختن تاریخ انعقاد آن، عملی کنند. آنها می‌خواستند بدین‌ترتیب مجلس موءسسان را در مقابل عمل انجام‌شده

www.iran-archive.com

رفرمها قرار دهند. ولی در کشور ما اوضاع کاملا" شکل دیگری دارد حکومت موقت ما در سنگرها بوجود نیامده بلکه در کنار آنها بوجود آمد و به‌همین دلیل این حکومت موقت انقلابی نیست و فقط به‌زحمت خود را بدنبال‌انقلاب کشانیده و با آن مخالفت می‌کند". (استالین، کلیات‌آثار، جلد۳،ص۲۳)

این سخنان استالین درمورد دولت موقت ما نیز صدق می‌کند. چون این دولت نه‌تنها محصول قیام نیست بلکه محصول خیانت به قیام‌وجلوگیری از رشد آن می‌باشد. و به‌همین جهت انقلابی نبودن ــ که از ماهیت‌طبقاتی آن ناشی می‌شود ــ است که نمی‌تواند با ارتجاع و امپریالیسم قاطعانه مبارزه کند و ضرورتا" این وظیفه بر دوش توده‌های زحمتکش و سازمانهای مستقل آنها می‌افتد.

به‌نظر ما مساءله شوراهای کارگری را به‌هیچوجه نمی‌توان و نباید از مساءله شوراهای دهقانان، سربازان و همافران و کارمندان جدا کرد. چون همهٔ این شوراها و تشکیلات مستقل توده‌ای حلقه‌های زنجیر واحدی هستندکه زادهٔ ضرورت پیشبرد امر انقلاب و ناتوانی دولت موقت کنونی در مبارزه‌علیه امپریالیسم و ارتجاع می‌باشند. جزوهٔ" آیا شوراهای ما شوراهای لنینی است" بدون تحلیل مشخص از اوضاع کنونی جامعه و وظیفهٔ نیروهای انقلابی و کمونیستها، مساءله شوراها را مجزا از مبارزهٔ طبقاتی و بقیه مسائل جامعه مطرح کرده و با استناد به تجربهٔ روسیه به نتیجه‌گیری‌ها و تحلیلهای‌نادرست رسیده است.

آیا شرایط عینی ایجاد شوراها در ایران قبل از قیام موجود بوده است یا خیر؟

جزوه درمورد کسانی که معتقدند شرایط عینی برای ایجا دشوراهای انقلابی در ایران موجود بوده است می‌گوید:

"اصولا استدلالات اینها (تکیه ازماست) مبنی بر این که شرایط عینی برای تشکیل شوراهای کارگری آماده بودند از پایه غلط می‌باشد". (ص۴)

ولی عجیب اینجاست که در همان صفحه آمده است:

" در ایران هم پروسهٔ تشکیل چنین ارگانهایی درست بودن اصل فوق

را اثبات می‌کند و کمیته‌های محلی (شوراها) در ادامهٔ اعتصاب سیاسی مردم در سطح کل جنبش بوجود آمدند و کارگران هم به‌طور منفرد دراین شوراها فعالیت می‌کردند ولی به‌علت متشکل نبودن و پراکندگی و پائین بودن سطح سیاسی جنبش کارگری این شوراها نمی‌توانست در کارخانجات و فابریکها به عنوان شورای نمایندگان کارگران بوجود آید". (ص۴)

علت عدم ایجاد شوراهای انقلابی به‌نظر نویسندگان جزوه عدم تشکل و پراکندگی و پائین بودن سطح سیاسی جنبش کارگری می‌باشد.

همهٔ این مسائل هم جزء شرایط ذهنی مبارزه هستند و کم‌کاری و یا فقدان عناصر پیشرو و کمونیستها را درمیان کارگران نشان می‌دهد. درصورت موجودبودن شرایط ذهنی مناسب، کارگران دنباله‌رو بورژوازی و خرده‌بورژوازی نمی‌شدند، می‌توانستند به بهترین وجهی شوراهای انقلابی خود را بوجود آورند. کارگران در مبارزات اخیر شاهد و ناظر بی‌عمل وقایع نبودند. کارگران بسیاری از کارخانجات به اعتصاب سیاسی همگانی پیوستند و درفلج شدن رژیم منفور پهلوی نقش اساسی بازی کردند. اعتصابات سیاسی پرشکوه کارگران صنعت نفت وآب وبرق نقش اساسی درفلج کردن رژیم مزدور شاه ایفاکردند. درجریان مبارزات اخیر بسیاری از کارگران سازمانهای مستقل خود را برای سازماندهی مبارزه ایجاد کردند (تشکیلات و سازمانهای کارگران صنعت نفت، آب و برق، ماشین‌سازی تبریز و اراک و غیره...).

این تشکیلات کارگری در صورت موجود بودن شرایط ذهنی مناسب و برخورداری از یک رهبری انقلابی پیگیر کارگری می‌توانستند تا حد شوراهای لنینی رشد کرده وحتی نقش بسیاری در قیام ایفا کنند.

گفتن اینکه شرایط عینی تشکیل شوراهای انقلابی در ایران نبوده از یکسو نشانهٔ دنباله‌روی از بورژوازی و خرده بورژوازی می‌باشد و از سوی‌دیگر در خدمت توجیه کم‌کاری کمونیستها درمیان کارگران و جدا بودن جنبش کمونیستی از جنبش کارگری است.

اگر جنبش کارگری میهن ما دنباله‌رو بورژوازی و خرده بورژوازی شد علت اصلی آن فقدان شرایط عینی مناسب نیست، بلکه در درجهٔ اول وبیش

www.iranarchive.com

از هر چیز دیگر علت آن‌را باید در فقدان شرایط ذهنی مناسب جستجوکرد. آیاکارگرانی‌که برای‌نابودی‌رژیم منفورپهلوی وارباباَن‌آمریکائی‌اش دست به اعتصاب سیاسی زده و در تظاهرات توده‌ای خیابانی شرکت می‌کنند و حتی بطور پراکنده در قیام مسلحانه نیز شرکت کردند، در صورت داشتن‌یک‌رهبری انقلابی نمی‌توانستند در شوراهای انقلابی متشکل شوند؟ آیا کارگرانی که پراکنده در قیام شرکت کردند نمیتوانستند بطور متشکل درآن شرکت کنند؟ اگر کارگران اعتصاب سیاسی و تظاهرات نمی‌کردند و در قیام نیز اصلا "شرکت نمی‌کردند آنوقت گفتن اینکه شرایط عینی ایجاد شوراها در ایران‌موجودنبوده درست بنظر می‌آمد ولی وقتی که همهٔ واقعیتها شرکت فعال طبقهٔ کارگر را در تظاهرات و اعتصاب و قیام نشان می‌دهد بازهم باید بگوئیم که شرایط عینی ایجاد شوراها وجود نداشت.

طبقهٔ کارگر از مبارزه نکردن رنج می‌برد، درد اصلی طبقهٔ کارگر جدا بودن پیشاهنگ این طبقه از جنبش کارگری ونداشتن آگاهی و تشکیلات مستقل و انقلابی کارگری بود که به‌شرایط ذهنی مبارزه مربوط می‌شود.

***

تجربهٔ مبارزات کارگران تکنوکار بهترین دلیل برای نشان‌دادن ضعف و عقب‌ماندگی شرایط ذهنی و مساعد بودن شرایط عینی است. کارگران روز۱۸ بهمن در شرایطی که قیام آغاز می‌شود، بدون اطلاع از خبر قیام تصمیم می‌گیرند برای اعلام همبستگی با کارگران جنرال صنعتی به‌آن کارخانه بروند ولی یکی از کارگران که در شهر و در جریان قیام بوده به کارخانه تلفن‌می‌کند و به کارگران می‌گوید که شهر درحال انفجار است و پادگان نیروی‌هوایی‌اسلحه پخش می‌کند و شما می‌توانید برای گرفتن اسلحه به شهر بیائید. بین چندنفر از کارگران پیشرو درمورد رفتن به تحصن کارگران جنرال و شرکت درقیام‌بحث می‌شود بالاخره آنها رفتن به کارخانه جنرال صنعتی‌را به شرکت درقیام‌ترجیح می‌دهند. دراین‌جا کمبود اصلی، عدم آمادگی کارگران برای شرکت در قیام نبوده چون بسیاری از کارگران روز بعد مستقلانه بطور پراکنده در قیام شرکت می‌کنند.

www.iran-archive.com

کمبود اصلی در اینجا بی‌تجربگی و عقب‌ماندگی ذهنی کارگران پیشرو کارخانه بود که به‌جای متشکل کردن کارگران و شرکت درقیام رفتن به تحصن را ترجیح می‌دهند. در اینجا عامل ذهنی نقش تعیین کننده ایفاء می‌کند و ندانم‌کاری، بی‌تجربگی، نداشتن شناخت درست از چگونگی مبارزه وتزلزلات کارگران پیشرو است که مانع شرکت متشکل کارگران در قیام می‌شود.

اگر کارگران آمادگی شرکت در قیام را نداشتند بعد از بازگشت ازتحصن کارگران جنرال صنعتی هم در قیام شرکت نمی‌کردند.

شورای کارگران تکنوکار درصورتی که شناخت درستی از وظایف انقلابی خود و آمادگی کارگران و ضرورت شرکت در قیام داشت می‌توانست کارگران‌را برای شرکت در قیام، متشکل و بسیج کند وآنها را بطور متشکل به‌مبارزه بکشاند. ولی چون اعضای شورا ضرورت شرکت متشکل کارگران را در قیام و وظایف خود را درک نکردند، باعث شدند که کارگران بطور پراکنده در مبارزه شرکت کنند در صورتی که همهٔ شرایط عینی برای شرکت کارگران در قیام موجود بود.

هنگامی که اکثریت شوراهای کارگری در فوریه ۱۹۱۷ از منشویکها و "اس‌ارها" دنباله‌روی می‌کنند، لنین به‌این نتیجه نمی‌رسد که شرایط عینی شوراها وجود نداشته یا باید شوراها را منحل کرد بلکه سعی می‌کند با افشای ماهیت بورژوایی منشویکها و "اس ـ ار"ها، شوراها را تحت رهبری و نفوذ بلشویکها درآورد.

در این‌مورد لنین می‌گوید:

"این قدرت (شوراها) خواه از طریق سازش مستقیم با حکومت موقت بورژوازی و خواه از طریق یک سلسله‌گذشتهای واقعی، مواضع خود را به بورژوازی تحویل داده و می‌دهد چرا؟.. علت این امر ـ کافی نبودن‌آگاهی و تشکل پرولتارها و دهقانان است". (لنین، آثار برگزیده، ص ۴۵۶)

لنین در رابطه با اشتباهات شورا می‌گوید:

"من می‌نویسم، می‌گویم و جویده می‌کنم که: شوراهای نمایندگان کارگران یگانه شکل ممکنه حکومت انقلابی است و بدین جهت وظیفهٔ ما فقط

می‌تواند این‌باشد که‌اشتباهات تاکتیک شوراها را باشکیبایی و بطورسیستماتیک و مصرانه به‌توده‌ها توضیح دهیم و این عمل‌را بخصوص با نیازمندیهای عملی توده‌ها دمساز نمائیم . . . " (لنین ، آثار برگزیده ، تزهای آوریل ، ص ۴۵۴)

اگر ما می‌گوئیم شرایط عینی ایجاد شوراهای کارگری در ایران موجود بودند بخاطر شرایط عینی مبارزهٔ خلق و ضد خلق است . بسیاری ازکارگران به همراهی بقیه نیروهای انقلابی هنگامی که با سرکوب متشکل و قهرسازمان یافته ارتجاع روبرو می‌شدند به‌ضرورت ایجاد تشکیلات مستقل انقلابی‌خودپی می‌بردند و درجریان مبارزه علیه رژیم مزدور شاه و ضمن فلج ساختن نظم ارتجاعی ، نظم انقلابی خود را بوجود می‌آوردند . ایجاد کمیته‌ها و شوراها و بقیهٔ سازمانهایی که در جریان اعتصاب سیاسی همگانی بوجود آمدند خود شاهد این امر است . کارگران و بقیه نیروهای انقلابی هنگامی که به ناکافی بودن اعتصابات سیاسی و تظاهرات خیابانی پی بردند و مزه تلخ سرکوب و خون‌ریزی ارتجاع را بارها تجربه‌کردند وآشتی‌ناپذیری منافع خودرا باارتجاع لمس کردند ، فریاد می‌زدند : "رهبران ما را مسلح کنید" و خود را برای روز نبرد قطعی آماده می‌کردند . در چنین شرایطی ، هنگامی‌که سطح عینی‌مبارزه طبقاتی تا سطح ناکافی بودن اعتصابات و تظاهرات خیابانی و ضرورت مبارزه مسلحانه توده‌ای پیش رفته ، آیا بازهم می‌توان از موجود نبودن شرایط عینی ایجاد شوراها و تشکیلات مستقل و انقلابی طبقهٔ کارگر صحبت کرد ؟

نیروهای انقلابی میهن‌ما که ضعفها ، ناپیگیریها و سازشکاریهای‌بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی مسلط برجنبش را در امر سازماندهی و بسیج مبارزه انقلابی برای نابودی حاکمیت امپریالیسم و ارتجاع لمس کرده بودند ، در صدد ایجاد ارگانهای مستقل قدرت خود برآمدند و علیرغم اینکه به رهبری جنبش تا حد زیادی اعتماد داشتند ولی در عمل از این رهبری خیلی‌جلوتر بودند و همین حرکت پیشرفته نیروهای خلقی بود که رهبری جنبش را به دنبال خود می‌کشانید .

ما شاهد آن بودیم که رهبری جنبش هیچگاه به‌دلیل ماهیت طبقاتی خود پیشاهنگ مبارزهٔ توده‌ها نبود و همیشه بدنبال جنبش می‌آمد .

www.iran-archive.com

استالین می‌گوید :

" اگر درسال ۱۹۰۵ در روسیه یک سازمان وسیع انقلابی شبیه به کومین تانگ چپ در چین کنونی موجود بود، ممکن نبود که هیچ شورایی در روسیه آن‌زمان وجود داشته باشد ".

در اینجا استالین به‌روشنی می‌گوید که درصورت فقدان یک جبهه‌وسیع انقلابی، توده‌ها باید مستقلا " ارگانهای مبارزهٔ خودشوراهارا بوجودآورند.

برای اثبات موجود بودن شرایط عینی ایجاد ارگانهای مستقل قدرت توده‌ای و شوراهای انقلابی به نقل قول زیر از لنین مراجعه می‌کنیم :

" مبارزهٔ سیاسی درست هم‌اکنون به‌آن مرحلهٔ تکامل رسیده است‌که در آن نیروهای انقلاب و ضد انقلاب تقریبا " تعادل دارند. زیرا حکومت تزاری دیگر قدرت این را ندارد که انقلاب را سرکوب نماید. لکن انقلاب هنوز به‌اندازهٔ کافی قدرتمند نیست که حکومت باند سیاه را کاملا " ازجای بروبد.

تلاشی حکومت تزاری کامل است. لکن از این‌جهت که با پیکر زنده می‌گندد، با سموم لاشهٔ خویش روسیه را مسموم می‌نماید. تلاش نیروهای ضد انقلابی تزاری باید حتما " بلافاصله، بدون درنگ، بدون کوچکترین تاءخیر توسط سازماندهی نیروهای انقلابی مقابله گردد ". (لنین، شوراهای کارگری، ص ۴)

اوضاع ایران قبل از قیام بهمن‌ماه کاملا " شبیه شرایطی است که لنین در بالا ذکر می‌کند و انقلاب و ضد انقلاب در حالت تعادل قرار داشتند. امپریالیسم و ارتجاع دیگر نمی‌توانستند انقلاب را سرکوب کنند ولی‌انقلاب هم هنوز آنقدر قدرتمند نبود که رژیم شاه را کاملا " نابود کند. در این شرایط لازم بود که بدون درنگ و بدون کوچکترین تاءخیری نیروهای‌انقلابی برای‌مبارزهٔ قطعی با رژیم مزدور شاه سازماندهی شوند. شرایط عینی‌تکامل مبارزهٔ طبقاتی این سازماندهی را می‌طلبید و ضروری کرده بود. کمونیستها و نیروهای پیشرو کارگری درهر سطح نفوذ و پیوندی که درمیان کارگران‌بودند بایستی قبل از قیام ضرورت ایجاد شوراهای انقلابی کارگری و بقیهٔ طبقات

www.iran-archive.com

انقلابی را تبلیغ و ایجاد آنها را در دستور روز قرارمی‌دادند. ولی‌متاءسفانه به‌علت ضعفهای درونی جنبش کمونیستی هیچ نیرویی قبل از قیام ضرورت ایجاد شوراهای انقلابی کارگری و وظایف آنها را در سطح جنبش مطرح‌نکرد.

در چنین صورتی آیا منصفانه است که کمبود نیروهای ذهنی و کم‌کاری کمونیستها و جدایی آنها را از طبقهٔ کارگر بحساب خود کارگران بگذاریم و مثل نویسندگان جزوه "آیا شوراهای ما" به فحاشی به‌کارگران بپردازیم؟

***

دربارهٔ تجربهٔ شوراها در چین و مقایسه با شرایط کنونی ایران

بحثهای استالین درمورد شوراها در انقلاب چین بسیار آموزنده‌است. استالین درسال ۱۹۲۷ می‌گوید: "آدم می‌بایست کور باشد تا نقش یکارگان شورش علیه بقایای فئودالی و امپریالیسم را در چین برای کومین تانگ چپ نفی نماید. اما چه نتیجه‌ای از این گرفته می‌شود. نتیجه‌ای که از این گرفته می‌شود این‌است که کومین‌تانگ چپ در انقلاب بورژوا ـ دمکراتیک کنونی در چین نقش مشابه شوراها را در انقلاب بورژوا ـ دمکراتیک ۱۹۰۵ در روسیه ایفا می‌کند. اگر سازمان انقلابی ـ دمکراتیک محبوبی مانند کومین‌تانگ چپ در چین وجود نداشت مساءله فرق می‌کرد. اما بخاطر اینکه چنین سازمان انقلابی معینی وجود دارد، سازمانی که منطبق براشکال مشخص شرایط چین می‌باشد، سازمانی که شایستگی خویش را در تکامل بیشتر انقلاب بورژوا ـ دمکراتیک در چین ثابت نموده است. متلاشی کردن این سازمان که در طول سالها ایجاد شده، زمانی که انقلاب بورژوا ـ دمکراتیک تازه آغاز گردیده و هنوز پیروز نگردیده و به‌زودی نیز پیروز نخواهد شد ـ احمقانه و غیرعاقلانه است".

رفقا هنگامی که از استالین درمورد شوراها نقل قول می‌آورند آن را از شرایط مشخص تاریخی خود جدا می‌کنند و فوری برای شرایط متفاوت‌ایران رهنمود صادر می‌کنند. رفقا باید جواب بدهند که چه‌سازمانی در ایران‌قبل

www.iran-archive.com

و بعد از قیام نقش کومین تانگ انقلابی را ایفا می‌کرد و می‌کند؟ استالین مشخصا" می‌گوید درصورت موجود بودن یک تشکیلات انقلابی وسیع که شایستگی خود را درتکامل بیشتر انقلاب بورژوا ـ دمکراتیک ثابت کرده باشد و ارگان شورش بر علیه بقایای فئودالی و حاکمیت امپریالیسم باشد، ایجاد شوراها احمقانه است. ولی احمقانه‌تراینست که شرایط کنونی ایران را عینا" با شرایط چین یکسان دانسته و رهنمود استالین را بخواهیم امروزه در اینجا بکار بندیم.

آیا دولت موقت، کمیته‌ها و شورای انقلاب، حزب جمهوری اسلامی و غیره که قدرت حاکم کنونی می‌باشند با کومین تانگ چپ قابل مقایسه‌هستند؟ کدام یک از این نیروها مشغول مبارزه انقلابی علیه بقایای فئودالیسم و امپریالیسم می‌باشند؟ کدام یک از این تشکیلات وسازمانها نشان‌دهندهٔ تکامل انقلاب بورژوا ـ دمکراتیک میهن ما هستند؟ استالین دررابطه بااحماقه بودن مقایسه شرایط روسیه و چین و کپیه برداری از تجربهٔ روسیه می‌گوید:

" آیا می‌توان گفت‌که موقعیت درچین امروزی شبیه وضعیت درمارس ـ ژوئن ۱۹۱۷ روسیه می‌باشد؟ نه نمی‌توان چنین گفت. نه فقط بخاطر اینکه روسیه آن‌زمان یک انقلاب پرولتاریایی را پیش‌روی داشت در حالیکه چین اکنون یک انقلاب بورژوا ـ دمکراتیک را در مقابل دارد. بلکه همچنین بخاطر اینکه در آن‌زمان دولت موقت در روسیه یک دولت ضد انقلابی و امپریالیستی بود. درحالیکه دولت کنونی هوان به معنی کلمه بورژوا ـ دمکراتیک، دولتی ضدامپریالیست‌وانقلابی‌می‌باشد". (سه‌مقاله ازاستالین دربارهٔ شوراها ـ ص۲۱)

بنابراین شرایط کنونی ایران را نیز با چین نمی‌توان مقایسه کرد. دولت موقت کنونی به‌هیچوجه یک دولت ضد امپریالیست و انقلابی نیست ودرنتیجه ایجاد سازمانهای مستقل انقلابی توده‌ها نه فقط به مبارزه ضد امپریالیستی ضربه نمی‌زند بلکه تنها راه پیشبرد این مبارزه است.

در اینجا به‌روشنی می‌بینیم که تا زمانی که کومین تانگ بمثابه یک‌نیروی انقلابی عمل می‌کند استالین با طرح شوراها قاطعانه مخالفت‌می‌کند وی‌هنگامی که جناح راست و ارتجاعی کومین‌تانگ براین جبهه غالب می‌شود، استالین با

www.iran-archive.com

در نظر گرفتن تغییر اوضاع ضمن جمع‌بندی از جنبش انقلابی در چین و غلبه جناح ارتجاعی کومین تانگ بر جناح انقلابی آن می‌گوید :

" ممکن است که مدت شکست انقلاب چین به‌اندازهٔ شکست بلشویکها در ژوئیه ۱۹۱۷ طول بکشد . در ژوئیه ۱۹۱۷ شوراها (که اکثریتشان‌تحت رهبری منشویکها و سوسیالیستهای انقلابی بودند) به بلشویکها خیانت‌کرده و آنها مجبور شدند که زندگی مخفی را از سر بگیرند و چند ماه بعد انقلاب ازنو در خیابانها برای نابودی حکومت موقت امپریالیستی روسیه شروع‌شد . بدیهی است که این مقایسه مشروط است و من فقط با درنظر گرفتن تمام ملاحظاتی که از اوضاع متفاوت میان چین کنونی و روسیهٔ سال ۱۹۱۷ ناشی می‌شود ، این احتمال‌را مطرح می‌کنم من این مقایسه را فقط برای نشان‌دادن تقریبی درجه شکست‌انقلاب چین انجام می‌دهم .

اگر این دورنما عملی‌شود ، اگر در آینده یک موج نوین انقلابی به‌راه بیافتد (لازم‌نیست که این موج نوین بفاصله دوماه به‌راه بیافتد ، شاید تا ۶ ماه یا یکسال بطور انجامد) دراین صورت‌می‌توان ایجاد شوراهای‌نمایندگان کارگران و دهقانان را بعنوان نقطهٔ مقابل در برابر حکومت بورژوازی قرار داد چرا؟ برای اینکه در شرایط اوجگیری نوین انقلاب ، در مرحلهٔ کنونی پیشرفت آن ، مساءله ایجاد شوراها درجهٔ پختگی کامل را دارا خواهد بود .

چند ماه پیش کمونیستهای چینی نمی‌بایستی شعار شوراها را بدهند چون این نوعی ماجراجویی بود که مطلوب مخالفین ما (تروتسکیستها) است ، چون رهبری کومین‌تانگ هنوز بعنوان دشمن انقلاب بی‌اعتبار نشده بود اما حالا برعکس، شعار ایجاد شوراها می‌تواند یک شعار واقعا" انقلابی شود اگر (اگر!) درآینده یک موج نوین انقلابی نیرومند به‌راه بیافتد . به‌همین‌دلیل باید از همین حالا ، قبل از به‌راه افتادن این موج، در کنار مبارزه برای جانشینی رهبری کنونی کومین‌تانگ بوسیلهٔ رهبری انقلابی فکر شوراها رامیان توده‌های وسیع زحمتکشان وسیعا" تبلیغ کنیم ، بدون‌اینکه با این وجود از حوادث پیشی بگیریم و از همین حالا شوراها را تشکیل دهیم و نباید هرگز فراموش کنیم که شورا فقط در یک شرایط اوجگیری نیرومند جنبش انقلابی

www.iranarchive.com

می‌تواند پیشرفت کنند" . (استالین ــ ملاحظاتی دربارهٔ اوضاع کنونی‌چین ــ ص ۲۷ ــ ۲۸ ــ متن فرانسه)

در اینجا می‌بینیم که استالین ضرورت ایجاد شوراها را در چین هنگامی مطرح می‌کند که رهبری کومین تانگ به ضد انقلاب گرائیده و قدرت حاکمه بصورت یک دولت ضد انقلابی در مقابل نیروهای انقلابی می‌ایستد و برهمین اساس استالین ضرورت ایجاد شوراها را برای تکامل انقلاب بورژوا ــ دمکراتیک مطرح می‌کند . ولی حتی زمانی که کومین تانگ انقلابی است استالین ضرورت پشتیبانی از آن‌را به‌این دلیل مطرح می‌کند که می‌توان در درون آن‌سازمانهای انقلابی توده‌ای را ایجاد کرد و ایجاد این سازمانها در تضاد با قدرت کومین تانگ قرار نمی‌گیرد . استالین در رابطه با منبع اصلی‌قدرت‌کومین‌تانگ بعنوان یک نیروی انقلابی می‌گوید :

" منبع اصلی قدرت کومین‌تانگ انقلابی در توسعه هرچه بیشتر جنبش انقلابی کارگران و دهقانان و تقویت سازمانهای توده‌ای‌آن ، کمیته‌های‌انقلابی دهقانی ، اتحادیه‌های کارگری و دیگر سازمانهای انقلابی توده‌ای به مثابهٔ عناصر آمادگی برای شوراهای آینده نهفته است" . (سه مقاله از استالین دربارهٔ شوراها ، ص ۱۲)

در اینجا استالین دفاع از کومین‌تانگ را از آن‌جهت لازم می‌داند که می‌توان در آن عناصر آمادگی برای شوراهای آینده را ایجاد کرد . باتوجه به مطالبی که درمورد مقایسه تجربهٔ چین و شوروی در بالا گفته شده و با درنظر گرفتن اوضاع‌کنونی جامعه ایران به‌این نتیجه می‌رسیم که‌اوضاع جنبش‌انقلابی میهن ما تفاوت زیادی با جنبش انقلابی در این دو کشور دارد و به‌هیچوجه نمی‌توان تجربهٔ آنها را عینا" در ایران پیاده کرد .

در ایران در شرایطی که هنوز هیچ یک از شوراهای کارگران به‌صورت شوراهای انقلابی ــ که بدون مشروعیت قانونی دست به اقدامات قانونی‌زده و به مبارزه قهرآمیز علیه امپریالیسم و ارتجاع دست‌بزنند ــ تبدیل‌نشده‌اند ، می‌بینیم که در مناطق بسیاری (کردستان ، گنبد ، خوزستان ، بلوچستان) دهقانان و توده‌های زحمتکش شوراها و اتحادیه‌های انقلابی خود را ایجاد

www.iranarchive.com

کرده و علاوه بر تقسیم زمین، به اقدامات انقلابی برای تاءمین حق تعیین سرنوشت خود دست زده و حتی علیه نیروهای ارتجاعی، مبارزه مسلحانه را هم سازماندهی می‌کنند. در اینجا می‌بینیم که در ایران برخلاف روسیه که تشکیل شوراهای انقلابی کارگری مقدم بر تشکیل شوراهای دهقانی بود، اوضاع کاملا" شکل دیگری به خود می‌گیرد.

لنین می‌گوید: " در آن لحظه که پس‌آهنگ (دهقانان) به پیشاهنگ (پرولتاریا) نرسیده بود، تشکیل شوراهای کارگران زودرس بود". (سه‌مقاله دربارهٔ شوراها، ص ۱۳)

شکل خاص مبارزهٔ طبقاتی در جامعهٔ ما آنچنان است که دهقانان در بعضی از مناطق (مانند کردستان و گنبد) از پیش‌آهنگ (پرولتاریا) جلوتر گام بر می‌دارند و در شرایطی که در اکثر کارخانجات، پرولتاریا تشکیلات اولیهٔ صنفی ـ سیاسی خود را هم‌ایجادنکرده، دهقانان در بعضی ازمناطق به اعمال قدرت انقلابی و تشکیل شوراهای انقلابی دست‌زده‌اند.

***

www.iran-archive.com

در شرایط کنونی ایران چه باید کرد؟

امروزه در شرایطی که به‌علت فقدان رهبری طبقهٔ کارگر، بسیاری از توده‌ها اسیر توهمات بورژوایی و خرده بورژوایی هستند و به‌دولت موقت و هیات حاکمه اعتماد دارند و از ماهیت طبقاتی‌این دولت بی‌خبرند و در ارزیابی از توان مبارزاتی دولت در اشتباهند، از یکسو " موقعیت برای یک مبارزهٔ توده‌ای مستقیم علیه قدرت حاکم، برای یک قیام توده‌ای علیه‌این قدرت" (استالین) موجود نیست ولی از سوی دیگر بعلت ماهیت ضد انقلابی قدرت حاکم و ناتوانی وی در امر مبارزه علیه امپریالیسم وارتجاع و ضرورت مقابله با یورش مجدد و حتمی امپریالیسم و ارتجاع " سازمان دادن یک قدرت نوین انقلابی " بیش از پیش ضرورت‌دارد.

نیروهای انقلابی و در راءس آنها طبقهٔ کارگر ایران وظیفهٔ بسیار

خطیر و سنگینی برعهده دارند.

طبقهٔ کارگر ایران از پراکندگی، و نداشتن آگاهی طبقاتی و نبودن حزب انقلابی و رزمندهٔ خود رنج می‌برد و در بسیاری از موارد حتی از حداقل تشکیلات و آگاهی لازم هم برخوردار نیست. ولی باتوجه‌به‌تجربه‌های جنبش جهانی کمونیستی و تجربهٔ مشخص کشورما و اصول عام م.ل علیرغم تمام ضعف و پراکندگی جنبش کارگری، علیرغم اینکه" به‌هنگام مبارزه‌قطعی با امپریالیسم و ارتجاع ــ که در پیش روی ما قراردارد، ممکن است موارد و شقوق گوناگون پیش‌آید و ممکن است هم پیروزی و هم شکست و هم‌راه مستقیم و هم‌راه‌های پرپیچ‌وخم در پیش باشد". (لنین) ولی" اکنون سخن بر سر این است که یک سوسیال دمکرات مجاز نیست ذهن کارگران را در خصوص راه واقعا" انقلابی مشوب سازد و مجاز نیست به شیوهٔ "آسوا باژدنیه" چیزی را پیروزی قطعی انقلاب بنامدکه فاقد شرط اساسی پیروزی است". (لنین،آثار برگزیده، ص ۲۴۹)

در شرایطی که هیچ یک از مسائل انقلاب ایران حل نشده و مبارزه‌قطعی برای نابودی ارتجاع و امپریالیسم زخم خورده (که به‌سرعت برای یورش به جنبش انقلابی خلقهای ما و برای تاءمین حاکمیت کامل خود،تدارک می‌بینند) در پیش روی ما قرار دارد، اگر نیروهای انقلابی توجه کافی به مساءله نابودی قطعی حاکمیت امپریالیسم و ارتجاع و ابزار لازم آن نکنند، عملا" در مقابل تدارکات عظیم و گسترده امپریالیسم و ارتجاع، نیروهای انقلابی و در راءس آنها کارگران‌را از تدارک وآمادگی و ابزار لازم برای درگیری قطعی آینده محروم نموده و به ارتجاع و امپریالیسم کمک بزرگی می‌کنند. جنبش‌کمونیستی ایران در این شرایط خطیر و حساس انقلاب دمکراتیک ــ ضد امپریالیستی‌باید هرچه سریعتر و عمیقتر میان توده‌های کارگر نفوذ پیدا کرده و صبورانه وپیگیر ماهیت سازشکار و ضد انقلابی دولت موقت‌را برای توده‌ها توضیح دهد. محور اصلی تبلیغ وترویج ما در شرایط کنونی باید بر پایهٔ ضرورت ادامهٔ انقلاب ناکام ایران و براساس ایجاد تدارک ذهنی لازم برای نبرد نهایی و مبارزه با حاکمیت امپریالیسم و ارتجاع باشد که این امر جدا از افشای ماهیت ضد

www.iran-archive.com

انقلابی، و خیانتهای دولت کنونی نیست.

" درحال حاضر چه‌کاری باید انجام داد؟ انقلاب ارضی درچین باید وسعت و عمق یابد. سازمانهای توده‌ای کارگران و دهقانان از هرنوعی باید تشکیل شده و مستحکم گردند، از مجمع اتحادیه‌ها و کمیته‌های اعتصاب گرفته تا سازمانهای دهقانی و کمیته‌های انقلابی با این دیدگاه که موقعی که جنبش انقلابی رشد کرده و موفقیتهایی کسب نمود، آنها (سازمانهای‌توده‌ای کارگران و دهقانان) را تبدیل به پایه‌های سیاسی ــ تشکیلاتی برای‌شوراهای نمایندگان کارگران، دهقانان و سربازان درآینده بنمائیم". (استالین، سه مقاله دربارهٔ شوراها، ص ۱۷)

در شرایط کنونی باید فکر ایجاد سازمانهای مستقل انقلابی و توده‌ای و ضرورت ایجاد آنها را در میان توده‌ها و طبقهٔ کارگر تبلیغ کنیم. از آنجا که مبارزه در میان طبقات مختلف و در کارخانه‌های مختلف در یک سطح جریان ندارد، باید باتوجه به مجموعه اوضاع عینی و ذهنی کارخانه‌های مختلف به ایجاد سندیکاها و اتحادیه‌های واقعی کارگری دست زد. باتوجه به‌این امر که قیام علیه قدرت حاکم امروزه در دستور روز نیروهای انقلابی نیست، ایجاد شوراهای انقلابی کارگری امروزه نه ممکن و نه ضروری است. ولی درکنار ایجاد سندیکاها و اتحادیه‌های واقعی کارگری باید فکر ایجاد شوراهای انقلابی کارگری ــ دهقانی را برای آینده از همین امروز میان کارگران تبلیغ کنیم. نیروهای انقلابی و کمونیست‌ها در روستاها باید همین امروز ایجاد شوراهای دهقانی را برای انجام انقلاب ارضی در دستور روز کار خود قرار دهند و غفلت از این کار اساسی به معنی بزرگترین کمک به رشد و حیات ارتجاع‌ارضی و متعفن و پوسیده ایران است.

در مناطقی که آمادگی ذهنی برای ایجاد شوراهای دهقانی موجوداست باید هرچه زودتر به‌ایجاد آنها دست زد و در مناطقی که این شرایط موجود نیست بایدپیگیرانه ضرورت‌ایجاد آنها را تبلیغ کرد وزمینه‌های‌لازم سیاسی‌ــ تشکیلاتی آنها را سریعا" بوجود آورد. فکر ایجاد شورا و ضرورت آن را در میان سربازان، همافران و بقیه کادرهای پائین ارتش نیز باید تبلیغ نمود.

www.iran-archive.com

فصل دوم : چگونه شوراها همه خلقی میشوند؟

در ص ۱ نوشته شده :

" این ارگان (شورا) در انحصار کارگران نبوده‌امر تمام خلق‌را درپیش‌رو دارد " .

در این مورد رفقا دچار نظریات رویزیونیستی شده‌اند و تعاریف‌کاملا" مشخص و روشن لنین و استالین را تحریف کرده‌اند .

خلق در شرایط کنونی ایران به اقشار و طبقات مختلفی گفته می‌شود . پرولتاریا ، دهقانان ، خرده بورژوازی شهری و بعضی از اقشار بورژوازی ملی که به منجلاب خیانت به‌خلق و سازش با امپریالیسم و ارتجاع کشانیده نشده‌اند، همگی جزو نیروهای خلقی می‌باشند . درحالیکه در شرایط خاص کشور ما بورژوازی ملی و خرده‌بورژوازی مرفه ، حتی متوسط‌قادر به مبارزه قاطع وقهر- آمیز علیه امپریالیسم و ارتجاع نیستند و به‌علت رشد مناسبات تولیدی سرمایه‌داری وابسته و پیوندی که با صنایع مونتاژ و سرمایه‌های امپریالیستی - کمپرادوری دارند نمی‌توانند به‌مبارزهٔ قاطعی علیه آنها دست بزنند و در نتیجه نمی‌توانند در شوراهایی که برای تصرف مستقیم قدرت به‌مبارزه‌قهرآمیز و قیام دست می‌زنند ، شرکت کنند .

رفقا به‌جای مشخص‌کردن طبقاتی که می‌توانند و باید در شوراها متشکل شوند ، با مخدوش کردن صف نیروهای دمکرات و لیبرال به یک نظریهٔ ماوراء

www.iran-archive.com

طبقاتی می‌رسند. درحالیکه لنین و استالین بارها ماهیت طبقاتی شوراها را مشخص کرده‌اند: " شوراها از لحاظ ترکیب طبقاتی خود ارگانهای جنبش کارگران و دهقانان و شکل حاضر و آمادهٔ دیکتاتوری آنان بودند". (لنین، منتخبات آثار، ص ۴۸۰) " قدرت دوگانه عبارت از چیست؟ عبارت ازاین است که در کنار حکومت موقت یعنی حکومت بورژوازی، حکومت دیگری‌تشکیل یافته که هنوز ضعیف و درحال جنینی است ولی بهرحال موجودیت عملی و مسلم داشته درحال نمو است. این حکومت، شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان است.

ترکیب طبقاتی این حکومت دیگر چگونه است؟ پرولتاریا ودهقانان (که به لباس سربازان ملبس هستند". (لنین، منتخبات آثار، ص ۴۵۶)

" شوراها یگانه تشکیلات توده‌ای هستند که شامل کلیه مظلومین‌واستثمار شوندگان، کارگران، دهقانان و سربازان و ناویان می‌شوند. (لنین)

" این شوراها شکل نوین انقلابی نیروی خلاقهٔ توده‌ای شده و فقط بدست قشرهای انقلابی اهالی ایجاد شده و هرگونه قوانین و اصول‌تزاریسم را برهم می‌زند". (لنین) در ص ۲ جزوه نوشته شده است: "... شورا سازمانی است مستقل از حزب این دلیل بر این نیست که شوراهای کارگری مستقل از حزب نتوانند دمکراتیک‌ترین نوع دولت‌را بوجود آورند".

در اینجا رفقا مرتکب دو اشتباه فاحش شده‌اند. شورا سازمانی است که مستقیما" وابسته به حزب نیست و رسما" مستقل است ولی وظیفهٔ کمونیستها ایجاب می‌کند که در شوراها نفوذ کرده و برنامهٔ خود را در آنجا اجرا کنند بدون اینکه شورا را رسما" به‌حزب وابسته سازند. شوراها فقط باید رسما "از حزب استقلال داشته باشند. ولی در عمل باید بطور غیر مستقیم برنامهٔ حزب را اجرا کنند وگرنه به‌آلت دست بورژوازی و خرده بورژوازی تبدیل می‌شوند. استالین درمورد شوراهای انقلابی کارگران و بقیهٔ سازمانهای‌غیر حزبی اعم از سندیکا و اتحادیه و غیره می‌گوید: " اکثریت عظیم‌این‌سازمانها غیر حزبی بوده و فقط یک قسمت از آنها مستقیما" به‌حزب مربوط و یا از شعبات آن هستند". (مسائل لنینیسم، ص ۲۴)

www.iran-archive.com

استالین از شوراها و اتحادیه و سندیکاها و غیره به‌عنوان تشکیلات‌غیر حزبی نام می‌برد و به هیچوجه از استقلال آنها از حزب بطورکلی سخن نمی‌گوید و حتی اضافه می‌کند: " سئوال می‌شود که چه‌کسی آن خط مشی و جهت عمومی‌را که همهٔ سازمانهای " غیرحزبی " باید درآن جهت عملیات خود را اجرا نمایند، تعیین می‌کند؟ کجاست آن تشکیلات مرکزی که نه فقط در نتیجه داشتن تجارب لازم بتواند این خط مشی عمومی را رسم کند بلکه علاوه بر آن آنقدر نافذ باشد که بتواند همهٔ این سازمانها را به اجرای این خط مشی وادار کرده بدین‌طریق وحدت رهبری را ایجاد و از امکان وقفه در کارها جلوگیری نماید؟

آن تشکیلات عبارت است از حزب پرولتاریا". (استالین، مسائل لنینیسم، ص ۱۲۵)

استالین درمورد رابطه حزب با تشکیلات غیر حزبی می‌گوید: "حزب محل اجتماع بهترین عناصر طبقهٔ کارگر است که این عناصر نیز با تشکیلات غیر حزبی مستقیما" رابطه داشته و غالبا" رهبر آنها هستند". (استالین، مسائل لنینیسم، ص ۱۲۵)

سازمانهای غیر حزبی نقش بسیار مهمی درمورد پیوند حزب باتوده‌های ملیونی طبقهٔ کارگر ایفا می‌کنند. به‌همین دلیل استالین می‌گوید:

" حزب یگانه تشکیلاتی است که قادر بر تمرکز رهبری مبارزه پرولتاریا بوده و بنابراین قدرت دارد که کلیهٔ اقسام و هرگونه تشکیلات غیر حزبی طبقهٔ کارگر را به‌ارگانهای کمکی و تسمه‌گرداننده حزب به‌طبقه تبدیل‌نماید".

و " البته معنای این مطلب آن نیست که سازمانهای غیر حزبی ازقبیل اتحادیه‌های کارگری و کئوپراتیفها و غیره باید رسما" مطیع رهبری حزب باشند، مقصود فقط این‌است که اعضای حزب که داخل در این‌سازمانها بوده و در آن بلاتردید دارای نفوذند تمام مساعی خود را برای اقناع آن بکار برند تا این سازمانهای غیر حزبی درکارهای خود با حزب پرولتاریا نزدیک شده و از روی رضا و رغبت رهبری سیاسی آن را قبول نمایند". (استالین، مسائل لنینیسم، ص ۱۲۶)

www.iran-archive.com

استالین درمورد تئوری استقلال سازمانهای غیرحربی ، که رفقا نیز آن‌را بطورضمنی قبول دارند می‌گوید : " تئوری‌اپورتونیستی "استقلال" و "بیطرفی" تشکیلات غیر حزبی که نتیجهٔ آن پیدایش پارلمانتاریست‌های مستقل‌وکارکنان مطبوعاتی جدا شده از حزب و کارکنان کوته‌فکر اتحادیه‌های کارگری وکئوپرا- تیفچیهای بدل‌گشته به خرده بورژوا می‌باشد ، کاملا " مخالف‌با تئوری‌وپراتیک لنینیسم است " . (استالین ، مسائل لنینیسم ، ص ۱۲۷ -۱۲۶)

رفقا بعد از بیان تئوری اپورتونیستی استقلال شوراها ازحزب می‌گویند که شوراهای کارگری مستقل از حزب کمونیست می‌توانند دمکراتیک‌ترین نوع دولت را به‌وجود آورند .

تجربهٔ انقلاب فوریه ۱۹۱۷ روسیه نشان دا دکه شوراها بدون رهبری حزب کمونیست و درصورتیکه مستقل از حزب باشند عملا " تحت رهبری بورژوازی و خرده بورژوازی درآمده و از آنها دنباله‌روی می‌کنند . در روسیه بعد از انقلاب فوریه ، پیشبرد انقلاب و گذار به‌انقلاب سوسیالیستی در گروآن بود که بلشویکها در شوراها اکثریت‌را از دست منشویکها و اس‌ارها درآوردندو فقط بعد از اینکار بود که گذار به انقلاب سوسیالیستی ممکن شد .

نظریهٔ شوراهای کارگری مستقل از حزب کمونیست با انکار ضرورت‌رهبری حزب‌کمونیست ، شوراها را به‌دنباله‌روی ازبورژوازی وخرده‌بورژوازی‌می‌کشاند . شوراها و بقیه سازمانهای غیرحزبی همانطور که در بالا گفتیم باید تابع سیاست حزب کمونیست باشند ، اما رسما " به‌آن وابسته نباشند . دمکراتیک- ترین نوع دولت در عصر امپریالیسم فقط و فقط به رهبری حزب رزمندهٔ طبقه کارگر بوجود می‌آید . بورژوازی و خرده بورژوازی به‌هیچ وجه قادر نیستند دمکراتیک‌ترین نوع دولت‌را بوجود آورند . چون دمکراسی آنها محدود به منافع طبقاتی خاص خود آنهاست و وسعت و پیگیری دمکراسی پرولتری را ندارد . رفقا از یکسو با ارائهٔ نظریهٔ اپورتونیستی استقلال شورا از حزب ، شوراها را عملا " در اختیار خرده‌بورژوازی و بورژوازی قرار می‌دهند و از سوی دیگر عنوان می‌کنند که این شوراهای کارگری قادرند دمکراتیک‌ترین نوع‌دولت را بوجود آورند . یعنی درحقیقت بورژوازی ملی و خرده‌بورژوازی قادرند

www.iran-archive.com

دمکراتیک‌ترین نوع دولت را بوجود آورند .

انقلاب دمکراتیک در عصر امپریالیسم بدون رهبری حزب طبقهٔ کارگر به پیروزی نمی‌رسد و طبقهٔ کارگر نیز هنگامی می‌تواند رهبری انقلاب را در دست گیرد که‌رهبری همهٔ‌تشکیلات غیر حزبی را عملا" در دست داشته‌باشد .

رفقا از تز رویزیونیستی همه خلقی بودن شوراها به‌نظریه اپورتونیستی استقلال‌شورا از حزب می‌رسند و از آنجا ضمن انکار نقش رهبری حزب کمونیست ، بورژوازی و خرده بورژوازی را قادر می‌سازند تا دمکراتیک‌ترین نوع دولت را نیز بوجود آورد !

www.iranarchive.com

فصل سوم

پاسخ به تحریف‌ها و تهمت‌های جزوهٔ " آیا شوراهای ما شوراهای لنینی هستند ؟ "

ونظر کوتاهی به مبارزات کارگران تکنوکار

کارخانه تکنوکار نزدیک به ۳ سال است‌که شروع به‌کار کرده و برای شرکتهای ساختمانی و تاءسیساتی تکنوکار و هدیش، تابلوی برق می‌سازد.

در آغاز تعداد کارگران این کارخانه خیلی کم بود ولی باتوسعهٔ‌کارخانه تعداد کارگران افزایش می‌یابد و به حدود ۸۰ نفر می‌رسد. اکثر کارگران این کارخانه از روستا به‌شهر آمده و هدیه انقلاب سفید امریکایی ــ آریامهری به سرمایه‌داران مزدور وابسته هستند و فقط اقلیت ناچیزی از کارگران‌این‌کارخانه سابقهٔ کار در کارخانجات‌صنعتی‌دارند. در اینجا باید اضافه‌کنیم که فقط یکسال‌ونیم است که تعداد کارگران از ۱۰ نفر به ۸۰ نفر افزایش یافته است.

اشاره به سابقهٔ کارخانه و منشاءطبقاتی و تعداد کارگران برای آن است که کارگران مبارز و رفقایی که این مقاله‌را می‌خوانند متوجه سابقهٔ کارخانه، منشاء طبقاتی کارگران و تعداد کارگران باشند و مثل نویسندگان جزوه بدون دلیل و بدون برخورد مشخص به سابقهٔ کارگران، مبارزات آنها را تخطئه نکنند.

در ص ۵ آیا شوراها... نوشته شده: " در مرور به سابقهٔ مبارزاتی کارگران به چیزی بالاتر از مبارزات اقتصادی برنمی‌خوریم که آن‌هم به‌سطح بسیار نازلی بوده و در کل می‌توان گفت چندان مبارزه‌ای نداشته‌اند ".

این نوع برخورد، به‌نظر ما کاملا " سطحی و مغرضانه‌است. سطحی‌بخاطر

www.iran-archive.com

آنکه بدون در نظر گرفتن سیر تکامل مبارزهٔ کارگران و بدون‌ارزیابی وشناخت از علل واقعی مبارزات به یک نتیجه‌گیری کلی نادرست می‌رسد. مغرضانه به این دلیل که نویسندگان این جزوه عمدا" و با غرض‌ورزی هرجا که دلشان خواسته و برای اثبات نظریات نادرستشان لازم‌بوده، مبارزات‌کارگران را سانسور کرده‌اند. از آغاز تاءسیس این کارخانه کارگران با مشکلات بسیاری از قبیل خفقان شدید، نپرداختن به موقع حقوق، ندادن غذا و نداشتن ناهار خوری، عدم پرداخت حق اولاد و سود ویژه و حق مسکن و خواربار و نداشتن وسایل ایمنی و اجباری بودن اضافه‌کاری روبرو بوده‌اند.

اولین اعتراض کارگران شکل کاملا" فردی داشت. یکی از کارگران‌به‌دفتر مهندس مزدور کارخانه می‌رود و درمورد ظلم‌وستم کارفرما به‌او اعتراض‌می‌کند ولی مهندس کارخانه از ژاندارمری و ساواک، که پشتیبانان طبقاتی و قانونی سرمایه‌داران هستند، برای اخراج این کارگر به‌جرم اخلالگری کمک‌میخواهد.

مهندس با این کار خود به رشد آگاهی و شناخت کارگر معترض درمورد ماهیت دولت و وزارت کار و قانون کمک کرد. پشتیبانی کارگران باعث شد تا کارگر مبارز اخراج نشود.

حدود یکسال پیش عده‌ای از کارگران مبارز لزوم مبارزه علیه کارفرما را با بقیهٔ کارگران مطرح می‌کنند. برای این‌کار کارگران مخفیانه دورهم جمع شده تا خواستهای خود را تنظیم‌کنند. در همین جلسه نماینده‌ای انتخاب می‌کنند. البته کارگران یک‌مرتبه و ناگهانی به‌فکر انتخاب نماینده‌نیافتادند بلکه این‌کار حاصل یک سلسله مبارزات و اعتراضات پراکنده و منفرد آنهابود. کارفرما چند کارگر مبارز را که علیه اجحافات و ظلم او به مبارزه برخاسته بودند بیرون کرده بود. کارگران وقتی دیدند که مبارزات پراکندهٔ آنها به جایی نمی‌رسد به‌این نتیجه رسیدند که بهتر است دور هم جمع شده و ازبین خود نماینده‌ای برای رسیدگی به کارهایشان انتخاب کنند. "این آغاز حرکت متشکل کارگران بود. " کارگران مراحل گوناگون رشد و تکامل را می‌پیمایند، مبارزه‌شان بر ضد سرمایه‌دار همراه با زندگیشان آغاز می‌گردد، در ابتدا کارگران خردخرد مبارزه می‌کنند، بعدها کارگران یک کارخانه و آنگاه‌کارگران

www.iran-archive.com

یک رشته از صنایع در یک ناحیه برضد فلان سرمایه‌داری که آنان را مستقیما" استثمار می‌کند، مبارزه را آغاز می‌کنند". (کارل مارکس، مانیفست، ص۴۷)
کارفرمای مفتخور که توسط عمال خود از این حرکت کارگران باخبر شده‌بود، نماینده مبارز کارخانه را اخراج می‌کند. چند نفر از کارگران به نشانهٔ پشتیبانی از نماینده استعفا می‌دهند. این آغاز بیداری وجدان طبقاتی کارگران است و طبیعی است که در درجهٔ اول مبارزترین و آگاه‌ترین‌ومستعدترین کارگران به‌این کار دست می‌زنند. کارگران تازه در مراحل اولیهٔ مبارزهٔ خود بسر می‌برند. چند روز بعد یکی از کارگران مساءله انتخاب‌نماینده و مبارزه با کارفرما را دوباره عنوان می‌کند. ولی مدیر فنی مزدور کارخانه کارگران را تهدید به اخراج می‌کند و فورا" جلسه‌ای تشکیل می‌دهد و یکی‌از کارگران مبارز را اخراج می‌کند. در اینجا عدهٔ دیگری از کارگران که‌هنگام اخراج نماینده سکوت کرده بودند، به‌نشانهٔ همبستگی با کارگر اخراجی استعفا می‌دهند.

در اینجا باز ما شاهد رشد آگاهی و همبستگی طبقاتی تعداد بیشتری از کارگران هستیم. هنگام اخراج نماینده‌چند نفر کارگر بیشتراستعفانکردند. ولی وقتی که برای بار دوم یکی از کارگران مبارز اخراج می‌شود، عدهٔ‌بیشتری استعفا می‌دهند. البته سطح آگاهی کارگران خیلی پائین است و به‌همین‌دلیل آنها بجای یک مبارزهٔ قاطع و همگانی، استعفا می‌دهند ولی خود عمل استعفا نشان دهندهٔ بیداری وجدان طبقاتی کارگران است. کارگران درجریان مبارزه آگاه شده و تجربه کسب می‌کنند. مدتی بعد اعتصاب با شکوه‌کارگران لیلاند موتور در کارخانه‌های اطراف تاءثیر زیادی بجای می‌گذارد و کارگران تکنوکار هم تصمیم می‌گیرند خواسته‌های خود را دوباره مطرح‌کنند.

" کارگران کارخانه‌های مجاور از مشاهدهٔ اینکه رفقایشان در مبارزه درگیر شده‌اند، شهامت نوینی پیدا می‌کنند" (لنین).

کارگران که مبارزهٔ منفرد و مقاومت منفی و استعفا را تجربه‌کرده و بی نتیجه بودن آنها را لمس کرده بودند، به‌فکر اعتصاب دستجمعی می‌افتند.

" کارگران ازآنجا که‌می‌بینند که هرکدامشان به‌تنهایی درمقابل‌سرمایه ـ

دار کاملا" بی‌قدرت هستند و ستم سرمایه تهدید و نابودشان می‌کند، شروع به طغیان دسته‌جمعی در مقابل کارفرمایان می‌کنند". (لنین)

اولین‌اعتصاب کارگران چنددقیقه بیشتر طول نمی‌کشد و توسط مزدوران کارفرما سرکوب می‌شود که علت آن‌را باید درکم‌بود آگاهی، عدم تشکل و بی‌تجربگی کارگران دانست(۱) اما این اعتصاب کوتاه‌مدت اولین حرکت همگانی کارگران و دارای اهمیت بسیاری بود.

" درهر صورت اعتصابات که ناشی ازخود طبیعت‌جامعهٔ‌سرمایه‌داری‌اند ازآغاز مبارزهٔ طبقه کارگر برضد این نظام اجتماعی خبرمی‌دهند. روبروبودن سرمایه‌داران ثروتمند با کارگران منفرد و بی‌چیز یعنی بردگی مطلق کارگران وقتی این‌کارگران بی‌چیز با هم متحد شوند، اوضاع تغییر می‌کند" (لنین)

کمی بعد عده‌ای از کارگران به بهانه نداشتن لباس کار و وسائل ایمنی اعتصاب می‌کنند، مدیر فنی با خواسته آنها مخالفت کرده و به‌آنها می‌گوید که بروید و استعفا بدهید. اما کارگران که قبلا" دوبار بی‌اثر بودن استعفا را تجربه کرده‌بودند، این‌بار بجای استعفا ترجیح می‌دهند که در کارخانه‌بمانند و به‌کمک بقیهٔ کارگران مبارزهٔ متحدی راادامه دهند.

چندین اعتراض پراکنده، اخراج و استعفای چندین کارگر مبارز، یک اعتصاب‌کوتاه مدت وکوشش‌های‌نافرجام برای‌انتخاب نماینده دستاوردمبارزات بیش‌از ۵۰ کارگر با یکسال سابقهٔ کاردر یک کارخانهٔ تازه تاءسیس شده‌میباشد و آنوقت نویسندگان جزوهٔ‌آیا . . . . ادعا می‌کنند که کارگران تکنوکار در کل مبارزه‌ای‌نداشته‌اند. مبارزات کارگران مسلما" دارای اشکالات، انحرافات و انتقادات بسیاری می‌باشد. ولی انتقاد از اشتباهات کارگران اگر بر پایه نفی واقعیت‌ها بنا شده‌باشد، چیزی جز غرضورزی و درازگویی احمقانه نیست و نه

---

(۱) اعتصابها فقط وقتی می‌توانند موفقیت‌آمیز باشند که کارگران به‌اندازهٔ کافی آگاهی طبقاتی داشته باشند. وقتی که کارگران بتوانند زمان مناسب‌برای اعتصاب کردن‌را انتخاب کنند وقتی که بدانند چگونه تقاضاهای خود را مطرح کنند و وقتی که با سوسیالیستها تماس داشته و بتوانند از طریق آنها اعلامیه و جزوات بدست بیاورند". (لنین)

تنها به کارگران چیزی یاد نمی‌دهد، بلکه به‌درستی خشم و کینه و نفرت هر کارگر مسئول و آگاهی را نسبت به این نوع لجن‌پراکنی‌ها بر می‌انگیزد. در اینجا باید پرسید نفی و تخطئه مبارزات کارگران در خدمت چه‌کسانی به‌جز سرمایه‌دارها می‌تواندباشد؟ نقل‌قول آوردن ازلنین باعث نمی‌شود که‌فراموش کنیم نویسندگان جزوه با چه دیدتحقیر آمیزی به توده‌های کارگر و مبارزات آنها می‌نگرند وچگونه با تحریف واقعیتها و ندیده‌گرفتن مبارزات کارگران آب به‌آسیاب سرمایه‌دار می‌ریزند.

***

با اوجگیری مبارزات خلقهای قهرمان ایران در سراسر کشور کارگران تکنوکار نیز ابتدا بطور منفرد وبعد بصورت دسته‌های چند نفری در تظاهرات خیابانی شرکت می‌کردند. شعله‌های سرکش خشم و کینه و مبارزه خلقهای‌ایران بر علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی سراسر میهن ما را فراگرفت و به درون کارخانه ها نیز کشیده شد و هستی سرمایه‌دارهای مرتجع و ضد انقلابی را با خطر سوختن مواجه کرد.

کارگرانی که در کوچه و خیابانها تمام کینه و نفرت ضد امپریالیستی و ضد سرمایه‌داری وابسته خود را با شعار مرگ برشاه نشان می‌دادند، این‌شعار را با خود به درون کارخانه آوردند و فریاد "مرگ‌برشاه" فضای کارخانه‌را به لرزه می‌انداخت.

کارخانه از کانون تولیدی به‌صورت یک سنگر مبارزهٔ خلق و ضد خلق درآمد، کارگران به‌سرعت عجیب و باور نکردنی‌ای عدم تحرک و بی توجهی خود را نسبت به مسائل سیاسی کنار می‌گذاشتند و به‌مبارزه روی می‌آوردند." در دوران انقلاب میلیونها و دهها میلیون از مردم در هر هفته بیش ازیکسال زندگی عادی وخواب چیز می‌آموزند". (لنین، منتخبات‌آثار، ص ۴۸۳)

کارگران بخاطر عزای عمومی دوبار اعتصاب کردند و این اولین‌اعتصاب سیاسی کارگران بود. روح زندگی سیاسی در کارگران بیدارشده بود و آنهاروز بروز بیشتر به مبارزه کشانیده می‌شدند. کم‌کم در کارخانه زمزمهٔ یک‌اعتصاب

www.iran-archive.com

همگانی به‌گوش می‌رسید ولی عوامل کارفرما متوجه جریان می‌شوند و اسامی عده‌ای از کارگران مبارز را یادداشت می‌کنند و کارگران‌را تهدیدمی‌کنند که آنها را به ماءمورین جلاد حکومت نظامی معرفی خواهند کرد.

کارخانه به صحنهٔ بحث و اعتراض و مبارزهٔ سیاسی تبدیل شده بود. کارگران می‌گفتند در جایی که برادران ما در شهر کشته می‌شوند، درست نیست که ما اینجا کار کنیم. تابلوهایی که ما می‌سازیم کارفرما آنها را به ارتش مزدور می‌دهد. چگونه ما راضی می‌شویم برای یک‌ارتش ضدخلقی تابلو بسازیم. تمام کارگران صنعت نفت اعتصاب کرده‌اند و کارخانجات دیگر هم درحال اعتصاب هستند چرا ما نباید اعتصاب کنیم. در صفحه ۵ جزوه نوشته شده: " ۲۰ روز قبل از قیام مسلحانه یعنی اول بهمن، کارگران تکنوکار ۱ـ بخاطر نبودن سوخت و سرد بودن کارگاه ۲ـ به‌علت عدم دریافت حقوق دیماه دست از کار کشیدند".

نویسندگان تنگ‌نظر جزوه که تا نوک دماغ خود را بیشتر نمی‌خواهند ببینند غرضورزی ضد کارگری خود را به‌حد اعلا رسانده‌اند. آنهانمیخواهند بفهمند در کارگران روح زندگی سیاسی بیدا رشده و علت اعتصاب آنهانبودن سوخت و یا نگرفتن حقوق نیست. بلکه این دوعامل فقط بهانه‌ای است برای اعتصاب و مبارزهٔ کارگران.

رفقا علت را با بهانه و درواقع ظاهر امر را با ماهیت آن حسابی قاطی کرده‌اند. البته کسانی که هدفشان تخطئه مبارزات کارگران است و با دید تحقیرآمیز به‌کارگران نگاه می‌کنند و کارگران را مشتی گوشت واستخوان بدون احساس و بدون تحرک بیش نمی‌دانند و معتقدند که کارگران چندان مبارزه‌ای نداشته‌اند، نمی‌توانند علت اصلی اعتصاب کارگران‌را درک کنند.

کارگران برای‌اعتصاب سیاسی دنبال‌فرصت وبهانه می‌گشتند، نپرداختن حقوق بهترین بهانه را به‌دست کارگران مبارز می‌دهد تا هم بقیهٔ کارگران‌را به مبارزه بکشانند و هم به هدف خود که تعطیل کردن کارخانه و همراهی با کارگران صنعت نفت و بقیهٔ کارگران اعتصابی بود، برسند. از آنجائی که‌یکی از اهداف اصلی نویسندگان جزوه تخطئه مبارزات کارگران تکنوکار است، هر

www.iran-archive.com

جا که کارگران این کارخانه دست به یک مبارزهٔ سیاسی زده‌اند آنها یا آن‌را تحریف می‌کنند (مثال اعتصاب برای سرد بودن کارگاه و نگرفتن حقوق !) و یا زیرسبیلی آن‌را رد می‌کنند .

اپورتونیسم گندیده صد کارگری نویسندگان جزوه جایی مشخص می‌شود که از رفتن کارگران به‌دانشگاه صنعتی صحبت می‌شود . جزوه ازاین عمل‌سیاسی کارگران که محتوای انقلابی داشته هیچ ذکری نمی‌کند ، چون اگر بخواهد آن را توضیح دهد ، تمام پیشداوری و غرض‌ورزی‌هایش نقش برآب می‌شود .

اخراج ، بیکاری و عدم‌پرداخت حقوق کارگران و فرار سرمایه‌دارها که همه حاصل بحران اقتصادی ـ سیاسی موجود در جامعه بود تقریبا " دامنگیر خیلی از کارخانجات شده‌بود . کارگران تکنوکار که این مساءله را درک کرده بودند ، حل مشکل خود را جدا از سرنوشت تمامی کارگران ایران نمی‌دانستند و در صدد بودند تا به‌کمک بقیهٔ کارگران و روشنفکران انقلابی و دانشجویان راه حل مناسبی برای مشکلات خود و چگونگی مبارزه بر علیه سرمایه‌دارهای مرتجع و مزدور و درحال فرار یا فراری پیدا کنند . کارگران برای تبادل‌نظر با کارگران کارخانجات دیگر و دانشجویان به دانشگاه صنعتی رفتند . این حرکت کارگران حرکتی سیاسی و انقلابی بود و نشان‌میداد که سطح شناخت کارگران تا بدانجایی بالا رفته که چهاردیواری تنگ کارخانه را درهم شکسته و سرنوشت خود را از سرنوشت طبقهٔ کارگر جدا نمی‌دانند و برای یافتن راه حل به روشنفکران انقلابی روی می‌آورند . در اینجا می‌بینیم که جدایی جنبش م .ل از جنبش کارگری و فقدان عناصر آگاه و باتجربه باعث می‌شود که کارگران به میان روشنفکران بروند .

جزوه می‌کوشد با زیرکی خاصی مساءله رفتن به دانشگاه و انگیزه‌های‌آن را ماست‌مالی و تحریف کند . از متن جزوه اینطور برمی‌آید که گویا کارگران برای گرفتن مزد به‌دانشگاه رفته بودند ، درحالی که به شهادت اعلامیهٔ ۵۷/۱۱/۱ از طرفداران مبارزین آزادی طبقهٔ‌کارگر ، کارگران " در جلسه‌ای‌که برای تبادل نظر دربارهٔ مشکلات کارخانهٔ مزبور (تکنوکار) بطور خاص ومسائل کلی کارگری بطور عام تشکیل شده بود شرکت کردند " " یکی ازکارگران‌تکنوکار

www.iran-archive.com

پشت میکروفون رفت و قاطعانه و بدون پرده‌پوشی چنین‌گفت . . . ما الان دو ساعت است که اینجا نشسته‌ایم که ببینیم شما تحصیل کرده‌ها برای‌راهنمایی ما چه پیشنهادی دارید ، درحالی که دراینجا از همه‌چیزصحبت می‌شود بغیر از آنچه که به ما مربوط است . حرفهای شما برای من و رفقایم خسته کننده است . ما از این حرفها سر در نمی‌آوریم و ضمنا" برای صدقه‌گرفتن اینجا نیامده‌ایم که می‌خواهید برای ما پول جمع‌کنید اگر راهی به‌نظرتان می‌رسد به ما پیشنهاد کنید" . ولی در دانشگاه متاءسفانه به علت خیانت حزب توده‌ء مزدور ، گروه‌گرایی رفقای فدایی و کم‌تجربگی دانشجویان مبارز ، کارگران نتوانستند از کمک تحصیل‌کرده‌ها ، آنطورکه باید و شاید برخوردار شوند . اما " دانشجویان مبارز" که صداقت و پی‌گیری خود را در راه آرمان طبقه‌ء کارگر بارها در کارخانجات دیگر ثابت کرده بودند ، فردای آنروز برای کمک به کارگران و جبران حوادث دانشگاه به کارخانه رفتند . بعد از رفتن‌دانشجویان کارگران کمیته‌ای متشکل از پنج نفر از کارگران مبارز را انتخاب می‌کنند نویسندگان جزوه معتقدند که در اثر اوج مبارزات مردم و " شاید بدین‌جهت بود که کارگران تکنوکار هم صاحب شورا شدند" (جزوه آیا شوراهای . . . ص ۵) از لحن تحقیرآمیز و کارفرماوار جزوه درمورد صاحب شورا شدن کارگران که بگذریم ، می‌بینیم جزوه بدون توجه به سیر تکامل مبارزه‌ء کارگران (اعتراضات منفرد ، انتخاب نماینده ، استعفا و اخراج و اعتصاب و تظاهرات و رفتن به دانشگاه) و صرفا" در رابطه با اوجگیری مبارزات مردم ، ایجاد شورا رابررسی می‌کنند . البته ما منکر نیستیم که اوجگیری مبارزات مردم تاءثیر مستقیم روی مبارزات کارگران این کارخانه داشت . ولی در اینجا به‌چند نکته باید اشاره کرد .

۱ــ اولا" کارگران صاحب شورا نشدند ، بلکه در تکامل مبارزه‌ء خود کمیته‌ای متشکل از مبارزترین کارگران ایجاد کردند . کمیته از درون مبارزات کارگران بیرون‌آمد ووصله‌ای نبود که خارج از مبارزات‌کارگران به‌آنهاچسبانیده شود .

۲ــ ثانیا" یکی‌ازویژگی‌های تفکررویزیونیستی ، عمده‌کردن‌عامل‌خارجی و

www.iran-archive.com

ندیده‌گرفتن نقش عامل داخلی در حرکت پدیده‌است. و رفقای‌ما نیزمتاءسفانه رویزیونیست‌وار به اوجگیری مبارزات خلقهای ایران که در مورد مبارزهٔ کارگران تکنوکار عامل خارجی محسوب می‌شود، در ایجاد شورا، نقش تعیین‌کننده داده. وعامل داخلی واصلی یعنی پروسه تکامل مبارزات کارگران این‌کارخانه را نادیده می‌گیرند. اگر علت صاحب شورا شدن کارگران تکنوکار اوجگیری مبارزات مردم است، چرا کارگران کارخانجات دیگر "صاحب شورا" نشدند. ما در عین حال که تاءثیر متقابل مردم را درمبارزهٔ کارگران انکار نمی‌کنیم، ولی نقش عوامل مساعد داخلی کارخانه‌را برای ایجاد کمیته عامل اصلی می‌دانیم.

***

در صفحه ۶ درمورد خواسته‌های کارگران نوشته شده‌است: که این خواسته‌ها (چقدر نازل و ابتدایی هستند!!). البته در ناقص بودن این خواسته‌ها جای هیچ بحثی نیست، ولی علت کامل نبودن این‌خواسته‌ها، بر خلاف آنچه که نویسندگان جزوه وانمود می‌کنند، کمبود مبارزهٔ کارگران نیست. علت آن در درجهٔ اول اشتباه و بی‌تجربگی و کمبود شناخت اعضای کمیته و بخصوص دانشجویانی است که با نظارت و کمک آنها این‌خواسته‌ها تنظیم شد.

مساءله اساسی اینجاست که کمیته و دانسجویان نتوانستند بیانگرخواست حقیقی کارگران باشند. کارگرانی که در تظاهرات خیابانی باشعار "مرگ‌برشاه" شرکت می‌کردند و با ارتش مزدور دست‌وپنجه نرم می‌کردند، خواست‌حقیقی، اولیه و اصلیشان سرنگونی رژیم و سرمایه‌داری وابسته بود. آنها این‌خواست را عملا" در خیابانها فریاد می‌زدند و برای رسیدن به‌آن جان خود را فدا می‌کردند. حالا اگر دانشجویان و کمیته به‌هر دلیلی نتوانستند این‌خواست سیاسی و اصلی کارگران را بیان کنند، تقصیر کارگران نیست.

رفقا گویا موقع نوشتن این لجن‌نامه تمام واقعیت مبارزهٔ طبقاتی‌کارگران را آگاهانه کنار گذاشته و با عینک تنگ‌نظری و تحمیق توده‌ها مسائل را بررسی نموده‌اند. آیا کارگرانی که در تظاهرات خیابانی با شعار " مرگ برشاه" به استقبال گلوله‌های‌مزدوران رژیم شاه می‌رفتند و برای یکسره کردن کار سرمایه‌

داران مرتجع از باسوادها کمک میخواستند، خواسته‌های نازل و ابتدایی دارند؟ سرنگونی رژیم شاه خواست نازل و ابتدایی است؟ اکثرکارگران تکنوکار نه‌تنها درتظاهرات خیابانی شرکت می‌کردند، بلکه فریاد " مرگ برشاه "آنان لحظه‌ای فضای کارخانه‌را ساکت نمی‌گذاشت .آنها کارخانه را برای کارفرما و نوکرانش به‌شکنجه‌گاه روانی تبدیل کرده بودند.

از سوی دیگر با نگاه مختصری می‌توان فهمید که همین خواسته‌ها نیز چندان نازل و ابتدایی نیستند و حتی نطفه‌های اعمال قدرت یگانه کارگران نیز درآن بچشم می‌خورد. مثلا" "اخراج کلیه افرادی که از طرف کمیتهٔ کارگران فاسد و ناسالم تشخیص داده شود" و ماده ۱۲ که می‌گوید: " کارفرما حق ندارد به‌هیچ دلیلی کارگران را اخراج نماید، مگر با تصمیم کمیته‌ای متشکل از کارگران". این ۲ ماده در برگیرندهٔ خواسته‌های عالی و تکامل یافته‌ای هستند و بخصوص چون قدرت کمیته، کارگران‌را در مقابل کارفرما قرار می‌دهد و حتی قدرت اخراج عناصر فاسد را نیز برای خود محفوظ می‌شمارد، نشاندهندهٔ کوشش‌های اولیهٔ کارگران برای اعمال قدرت مستقل خود در کارخانه می‌باشند. البته نویسندگان جزوه طبق معمول هیچ اشاره‌ای به این خواست نکرده‌اند، چون بازهم این خواست تمام نظریات آنها را جارو می‌کند. در جزوه آمده است که: " اولین حرکت ارگان قدرت تکنوکار با در خواست، آنهم از کارفرما شروع می‌شود) گویا رفقا فراموش کرده‌اند که ایجاد کمیته و تنظیم این خواسته‌ها اولین تجربهٔ متشکل آگاهانه و بابرنامهٔ کارگران بود که دانشجویان نیز در جریان آن بودند.

مسلما" اگر در میان ۱۰۰ دانشجو و ۷۰ کارگر کسی طرح بهتری می‌داد، همه قبول می‌کردند ولی گویا رفقا انتظار دارند که کارگران همراه با تفنگ ژ ـ ۳ اولین خواسته‌های خود را مطرح کنند و کارفرما و مزدورانش‌را درهمان ثانیه اول تیرباران کنند.

اگر کمی در مواد همین قطعنامه ابتدایی و نازل دقت کنیم می‌بینیم که کارفرما نه‌تنها نمی‌تواند با این خواسته‌ها موافقت کند بلکه بعضی از همین خواسته‌ها نافی قدرت کارفرما در کارخانه است. شما بیشتر از آنکه محتوی را

www.iran-archive.com

در نظر بگیرید به‌شکل آن چسبیده‌اید. تازه با زرنگی تمام شکل قطعنامه را آنطور که خودتان می‌خواهید تفسیر می‌کنید. در این قطعنامه ازخواسته‌های کارگران صحبت می‌شود و شما برای اینکه لحن ملتمسانه و عاجزانه‌ای به این خواسته‌ها بدهید می‌گویید: " اولین حرکت ارگان قدرت‌کارگران بادرخواست و گدایی از کارفرما شروع می‌شود". بیان خواسته‌ها و مبارزه برای رسیدن به آنها تا درخواست کردن همین خواسته‌ها از زمین تا آسمان با هم فرق‌می‌کند.

از این گذشته کارگران از کارفرما درخواست نکرده‌اند آنها خواسته هایشان را با (باید) و نباید مطرح کرده‌اند " کارفرما باید حقوق کارگران را..." " برای کارگرانی که... باید دفترچه بیمه تهیه شود" " خدمات درمانی باید از طرف کارخانه" " کارفرما حق ندارد بی‌دلیل کارگران را اخراج نماید"، آیا این طرز بیان را درخواست از کارفرما می‌گویند.

***

در صفحه ۷ آمده است: " به همین دلیل دراوج انقلاب کمیته از کانال سندیکا وارد می‌شود" علت این امر آن است که در آن شرایط حتی در سطح کل جنبش کارگری و م. ل هم رهنمود درست برای کارگران موجود نبود. کارگران تکنوکار هم که به ضعف شناخت خود پی برده بودند به تحصیل ـ کرده‌ها متوسل شدند، ولی دانشجویان هم نتوانستند رهنمود کامل‌وشایسته‌ای بدهند و به‌همین علت " علل ذهنی" بود که کمیته در اوج انقلاب از کانال سندیکا وارد شده برخلاف نظر جزوه که در ص ۷ می‌گوید: "این‌کمیته‌نمی‌تواند ارگان قدرت انقلابی باشد یا حداقل در آنوقت کارگران تکنوکار نمی‌توانستند ارگان انقلابی خود بدانند". در صورتیکه رهنمود درست از طرف‌کارگران پیشرو و دانشجویان داده می‌شد، این کمیته می‌توانست بخوبی‌ارگان قدرت انقلابی‌کارگران باشد. چون کارگران متشکل در کمیته و بسیاری از کارگران‌دیگر در انقلاب نقش فعالی ایفا می‌کردند. کارگری که از بزرگترین ارتش خاورمیانه ترسی به دل راه نمی‌دهد و جان برکف در خیابان با ارتجاع مبارزه می‌کند، از یک کارفرما مزدور و بزدل که به یک مشت کارگر بند است، ترسی‌ندارد!

کارگران راه مبارزه را بلد نبودند نه‌اینکه نمی‌توانستند ارگان انقلابی

www.iranarchive.com

خود را به‌وجود آورند. رفقا می‌گویند: "اگر این کمتیه ارگان قدرت انقلابی بود باید وظیفه‌ای را که لنین... در برابر آنها نهاده بود به‌انجام می‌رساند" رفقا هنگام ایجاد کمیته و تنظیم قطعنامه شما فکر می‌کنید همهٔ کارگران یک جلد منتخبات لنین زیر بغل داشتند که از رهنمودهای او استفاده کنند. کارگران اگر رهنمودهای لنین‌را می‌دانستند دیگر به‌تحصیل کرده‌ها متوسل نمی‌شدند. همهٔ بدبختی اینجاست که در آن موقع هیچکس رهنمود انقلابی در خاطر نداشت. رهنمود شما هم در حکم نوشداروی بعد از مرگ سهراب است. البته چند روز بعد کارگران بدون اینکه ص ۴۷۷ منتخبات آثارلنین را خوانده باشند، رهنمود لنین‌را بکار بستند.

کارگران بعد از مخالفت مدیرعامل با خواسته‌هایشان همگی به دفتر او رفتند و به‌او گفتند ما شما را به عنوان مدیرعامل قبول نداریم و اگر یکبار دیگر پایتان‌را به‌کارخانه بگذارید، قلم پایتان‌را می‌شکنیم. مدیرعامل که حساب کار خود را کرده‌بود چنان از این "درخواست‌نازل" و "ابتدایی کارگران" به‌وحشت افتاد که دیگر هرگز به‌کارخانه نیامد.

در رابطه با فاش ساختن شیادی‌های سرمایه‌داران باید گفت که کمیتهٔ کارگران فاش ساخت که کارفرما برای فرار از پرداخت مالیات به‌دولت و حق بیمه به کارگران، این کارخانه را به‌عنوان انبار ثبت کرده و مالیات یک‌انبار را پرداخت می‌کرد و در حدود ۴۰۰ هزارتومان پول عرق جبین کارگران رابالا کشیده است.

از اینکه نویسندگان جزوه هیچ اشاره‌ای به‌این دو حرکت انقلابی‌کارگران که‌کاملا "منطبق‌با رهنمودهای‌لنین است، نکرده‌اند. هیچ‌جای‌تعجب‌نیست، چون همانطور که بارها اشاره کردیم آنها صداقت انقلابی خود را فدای نظریات و پیشداوری‌های ضد انقلابی خود کرده‌اند.

ارزیابی غلط بعضی از گروه‌ها و افراد دربارهٔ شورای تکنوکار باعث شد که نویسندگان جزوه این شورا را با یک شورای واقعا "انقلابی مقایسه کرده و به آن فحاشی کنند. گویی هرجا اسم شورا باشد، منظور همان شوراهای انقلابی روسیه است. البته شورای تکنوکار می‌توانست در صورت داشتن یک‌رهبری‌آگاه

www.iranarchive.com

و با تجربه‌ا انقلابی به یک شورای واقعا" انقلابی تبدیل شود. ولی با وجود این به‌عنوان یک تشکیلات مستقل کارگری که عملکردهای انقلابی و شورایی (اخراج مدیرعامل) را دارد، قابل استناد می‌باشد.

در صفحه ۷، جزوه می‌کوشد تا با استفاده از یک اشتباه کارگران که‌خود خیلی زود آن‌را در عمل اصلاح کردند، به‌آنها فحاشی کند و می‌گوید: "توقع داشتن اینکه سرمایه‌دار قدرت دیگری را به غیر از قدرت خویش به‌رسمیت بشناسد، اگر دیوانگی نباشد، حداقل سفاهت است". اولا" دربسیاری از موارد کارگران به‌علت عدم شناخت صحیح چنین اشتباهی می‌کنند. اگربخاطر اشتباهاتی که ناآگاهانه از جانب کارگران صورت می‌گیرد بخواهیم آنها را دیوانه و سفیه بخوانیم، باید اسم خیلی از کارخانه‌ها را تیمارستان بگذاریم. ولی ما فکر می‌کنیم که رفقا دراین مورد قیاس به‌نفس کرده‌اند، چون‌کارگران همانطور که گفتیم بعد از ایجاد کمیته مساءله به‌رسمیت شناختن آن‌را بااخراج انقلابی دوتن از مزدوران اصلی کارفرما منتفی ساختند.

نویسندگان جزوه نه‌فقط آن قسمتی از حقایق را می‌گویند که موافق نظریاتشان هست بلکه در نقل قول آوردن نیز همان شیوه آشنای اپورتونیستی را بکار می‌بندند و در بسیاری از موارد از آنجایی که نظریات لنین‌را باتوجه‌به اوضاع خاص ایران خوب هضم نکرده‌اند، حرفهایی میزنند که با واقعیات در تضاد است. مثلا" آنها از لنین نقل قول میکنند که: " بورژوازی طرفدار قدرت یکتای بورژوازی است" ولی فراموش می‌کنند که لنین در ادامهٔ آن می‌گوید: " کارگران آگاه طرفدار قدرت یکتای شوراهای کارگران، دهقانان و سربازان یعنی طرفدار قدرت یکتایی هستند که موجبات آن از راه روشن‌شدن ذهن پرولتاریا و رهایی وی از قید نفوذ بورژوازی فراهم شده باشد نه از راه ماجراجویی". (لنین. منتخبات آثار، ص ۴۵۷)

مساءله مهم اینجاست که‌لنین موجبات ایجاد شوراهای‌نمایندگان کارگران، دهقانان و سربازان را روشن شدن ذهن پرولتاریا و رهایی وی از قید نفوذ بورژوازی می‌داند. و به نظر ما علت اصلی اینکه شورای تکنوکار ــ که شکل جنینی شورای انقلابی داشت ــ نتوانست به یک شورای واقعا" انقلابی تبدیل

بشود قبل از هر چیز آن است که درحقیقت ذهن اعضای شورا نسبت به‌وظایف خود و شناخت از جنبش روشن نشده بود و کارگران در بسیاری از موارد هنوز در قید نفوذ بورژوازی وخرده بورژوازی بودند. و مقصر اصلی همهٔ این کمبودها نه کارگران بلکه روشنفکران انقلابی م.ل و کارگران پیشرو هستند.

***

در ص ۸ جزوه رفقا خواسته سوم کارگران‌را مبنی بر اینکه " ازحقوق، مالیات کم نشود تا برقراری قوانین عادلانه کار " تحلیل می‌کنند.

اولا " کارگران در هنگام تنظیم این ماده هیچ ارزیابی مشخص و درستی از ماهیت طبقاتی دولتی که بعد از سرنگونی رژیم منفور پهلوی سرکار می‌آید نداشتند. و در این توهم بسر می‌بردند که با سقوط رژیم منفور شاه قوانین این رژیم نیز نابود شده و قوانین انقلابی جای آنها را می‌گیرد و به همین جهت منظور کارگران از قوانین عادلانه، نقطه مقابل قوانین شاهنشاهی بود. عدالت منظور نظر کارگران به‌هیچ وجه همراه با بهتر استثمار شدن توام نبود. چون اکثریت کارگران فریب شعارهای عوامفریبانهٔ خرده بورژوازی را خورده و دورنمای جامعه بی‌طبقه و در نتیجه یک عدالت کارگری را در مد نظرداشتند. کارگران چون قانون کار شاهنشاهی را کاملا " به‌نفع کارفرما میدانستند واین حقیقت را بارها در زندگی خود تجربه کرده بودند، می‌خواستند قانون‌کاری بوجود آورند که حافظ منافع خودشان باشد و قانون عادلانه را فقط در این جهت می‌توان معنی کرد و حتی با روی کارآمدن دولت موقت نیز شعار "قانون کار شاهنشاهی نابود باید گردد." ، " قانون کار انقلابی ایجاد باید گردد " یکی از شعارهای کارگران بوده و باعث شده که کارگران به تضاد خود بادولت کنونی پی ببرند. چون دولت بنا بر ماهیت طبقاتی خود نه می‌خواهد و نه می‌تواند قانون کاری وضع کند که به‌نفع کارگران باشد. در همین صفحه رفقا می‌گویند: " کمیته هیچگاه نباید به خود اجازه می‌داد که مالیاتی هم از حقوق کارگران کسر شود. تازه جالب این است که سردمداران خرده‌بورژوازی از پرداختن مالیات به‌دولت از ماهها قبل خودداری می‌کردند ". در اینجا رفقا چنان گرم‌بافتن نظریات تخیلی خود شده‌اند که فراموش می‌کنندکارگران

www.iran-archive.com

دوماه است حقوق نگرفته‌اند و طبق رهنمود رفقا کارگران باید با " اعمال‌قهر انقلابی " مالیات کسر شده از حقوق هرگز پرداخت نشدهٔ خود را از کارفرما بگیرند .

رفقا فراموش کرده‌اند که کارفرما ضمن پرداخت حقوق مالیات را کسر می‌کند و وقتی هنوز حقوقی پرداخت نشده چگونه می‌توان مالیات آن‌را نداد .

مسأله دیگر اینکه مالیات پرداختن کارگران .مثل مالیات پرداختن اصناف نیست . اصناف در دادن یا ندادن مالیات ابتکار عمل دارند . آنها هستند که به‌دولت مالیات می‌دهند یا نمی‌دهند ، در حالیکه کارگران هیچ دخالتی در دادن یا ندادن مالیات ندارند وابتکار عمل دراین‌مورد باکارفرما می‌باشد . کارفرما مستقیما " قبل از پرداخت حقوق مالیات آن‌را کسر می‌کند و تنها راهی که برای ندادن مالیات به‌ذهن کارگران رسید اعتصاب بود . جالب اینجاست که کارفرما می‌خواست کارخانه‌را تعطیل کند و اعتصاب‌هم درشرایطی که تولیدی صورت نمی‌گیرد و بطوز خودبخود اعتصاب درجریان‌است ،فایده‌ای ندارد و نمی‌تواند به‌تنهایی به‌نتیجه‌ای برسد .

***

در صفحه ۸ رفقا بازهم بجای توضیح‌اینکه چرا کمیته کارگران در آغاز فعالیت خود نتوانست ارگان مبارزه انقلابی کارگران شود ، دوباره‌همان‌نظریهٔ سراپا غلط را مبنی براینکه کمیته نمی‌توانست ارگان انقلابی کارگران‌شود را تکرار می‌کنند .

رفقا تاءثیر یک رهبری انقلابی و با تجربه را در عملکرد شورا منکرشده و به‌این نتیجه می‌رسند که کمیته اساسا " نمی‌توانست ارگان انقلابی کارگران شود و حتی در صفحه ۸ می‌گویند که این کمیته حتی جنین یک شورا هم‌نبود ، در صورتی که به‌خاطر اوجگیری مبارزهٔ‌مردم و نزدیک بودن قیام ، کارگران پیشرو این کارخانه می‌بایستی به‌فکر ایجاد یک شورای انقلابی‌باشند و در آن شرایط تبلیغ ایجاد سندیکا ، آنهم برای کارگرانی که در مبارزات و تظاهرات خیابانی شرکت می‌کردند ، در عمل به عقب‌کشیدن مبارزه کارگران منتهی می‌شد . اشتباه اساسی را دراین‌مورد کارگران پیشرویی مرتکب شدند که بجای

www.iran-archive.com

تکامل و بسط جنین شورا تا حد یک شورای واقعی، با دنباله‌روی از کارگران بدنبال جریان خودبخودی افتادند.

***

کارگران در روزنامه می‌خوانند که قرار است مجمع عمومی فوق‌العاده‌برای تعیین سهام شرکت روز ۵۷/۱۱/۲۱ تشکیل شود. کارگران چون همهٔ سهام‌داران کارخانه‌را نمی‌شناختند و حتی حدس می‌زدند که سهام‌دار خارجی نیز وجود دارد، در حقیقت برای جلوگیری از انتقال سرمایه شرکت و به‌امیداینکه سرمایهٔ آن بعداً" مصادره و ملی خواهد شد یک نامهٔ اعتراضی نوشتند. در این نامه نوشته شده: " صراحتا" به کارفرمایان اخطار می‌شود که هر نوع تصمیم‌گیری که برخلاف منافع کارگران اتخاذ شود با عکس‌العمل شدیدکارگران مواجه خواهد شد و هم‌اکنون کارگران جهت مقابله با این تصمیمات پیش‌بینی شده آمادگی خود را اعلام میدارند".

کارگران با نوشتن این اعلامیه بدون اینکه صراحتا" خواست خودرابیان کنند، می‌خواستند نه فقط از انتقال سرمایه جلوگیری کنند بلکه به‌فکرمصادرهٔ سرمایه‌های شرکت نیز بودند ولی به‌دلیل اینکه هنوز آگاهی طبقاتیشان رشد کافی نکرده و از ماهیت طبقاتی دولت هم هنوز شناخت درستی نداشتند فکر می‌کردند دولت موقت به مصادره و ملی‌کردن سرمایه‌های شرکت دست خواهد زد و به‌همین دلیل خودشان مستقیما" برای اینکار اقدامی نکردند. رفقا در ص ۱۰ می‌نویسند: " نامهٔ فوق‌الذکر چهرهٔ تمام‌عیار اقتصادی کارگران این شرکت را نشان می‌دهد" و " این است چهرهٔ تمام عیار اکونومیستی".

رفقا در اینجا هم طبق معمول خیلی سطحی و با تنگ‌نظری به این بیانیه نگاه کرده و به هیچوجه به‌خواست حقیقی و علت اصلی نوشته شدن‌این بیانیه توجهی نکرده‌اند.

گفتیم که خواست حقیقی کارگران مصادرهٔ سرمایهٔ شرکت به‌نفع کارگران و زحمتکشان بود. برخورد رفقا به مبارزهٔ کارگران آنقدر سطحی است که‌برای بررسی خواستهای کارگران فقط به یکی دو بیانیه، آنهم بطور ناقص و تحریف شده بسنده می‌کنند.

www.iranarchive.com

آیا خواست مصادره و ملی‌کردن سرمایه‌های خارجی وابسته یک خواست " تمام عیار اکونومیستی " است؟ کوتاه‌کردن دست سرمایه‌دارهای خونخوار خارجی و وابسته یکی از خواستها و مسائل اساسی انقلاب دموکراتیک ـ ضد امپریالیستی میهن ما بوده و می‌باشد .

***

رفقا با تحریف واقعیت‌های مبارزه کارگران اینطوز وانمود می‌کنند که گویا کارگران تکنوکار در مدت چند ماه قبل از قیام بجز نوشتن چنداعلامیهٔ هیچ کار دیگری نکرده‌اند . علاوه بر این رفقا این اعلامیه‌ها را هم آنطور که خودشان میخواهند تفسیر می‌کنند نه آنطور که حقیقت امر بوده‌است . در نتیجه رفقا مجبور می‌شوند برای اثبات نظریات نادرست خود بسیاری از واقعیت‌ها را نادیده بگیرند یا تحریف کنند . مثلا " در نوشته رفقا ازهمبستگی کارگران تکنوکار با کارگران متحصن جنرال و کارگران اعتصابی ایران‌کاوه ، هیچ خبری نیست . و حتی در ص ۱۰ جزوه آمده‌است که " تا اینجا یک مرحله از مبارزات کارگران را پشت سرگذاشته‌ایم " . منظور رفقا از یک مرحله ، همان سه اعلامیه است ، در حالیکه کارگران درطول این مدت مبارزات بسیاری انجام داده و تجربیات زیادی اندوخته‌اند ولی رفقا به هیچ‌یک از این مبارزات و تجربیات هیچ اشاره‌ای نکرده‌اند .

***

با شروع قیام مسلحانه کارگران و زحمتکشان میهن ما بر علیه رژیم مزدور پهلوی و اربابان آمریکائی‌اش ، اکثریت کارگران تکنوکار بطور منفرد در قیام شرکت می‌کنند و کارگران پیشرو متشکل در کمیته کارگری یکبار دیگر بخاطر بی تجربگی و کمبود شناخت و تزلزلات خویش نمی‌توانند کارگران‌را برای شرکت متشکل درقیام سازماندهی کنند .

بعد از ناکام شدن قیام در اثر فقدان رهبری طبقهٔ کارگر ، خیانت بورژوازی لیبرال و خرده‌بورژوازی مرفه ، کارگران به‌کارخانه برمی‌گردندومبارزه خود را ادامه می‌دهند .

کمیتهٔ کم‌تجربهٔ کارخانه که بیش از ۲۰ روز از تاسیس آن نمی‌گذرد

www.iranarchive.com

بعد از قیام مسلحانه و روی کار آمدن دولت موقت وارد مرحلهٔ جدیدی از مبارزات خود می‌شود و یک بیانیه سیاسی منتشر می‌کند که در کارخانه زامیاد نیز خوانده می‌شود و در آنجا نیز مورد تائید کارگران آن کارخانه‌قرارمیگیرد..

رفقا در صفحهٔ ۱۰ جزوه می‌گویند:" اگر تا به‌حال (کمیته) کارگران تکنوکار اسما" و یا رسما" کمیته بوده، درحال جنینی بوده، حالا دیگر شورا است یعنی ارگان قدرت انقلابی کارگران تکنوکار است این‌را از بند الف‌بیانیه فوق آنجا که می‌گوید قوانین ضدکارگری را به‌نفع کارگران با نظر شورای‌کارگران از هر کارخانه در وزارت کار تعویض کند، می‌توان فهمید".

در اینجا نیز طبق معمول واقعیت تحریف شده است، چون‌بیانیه‌کارگران تکنوکار به‌اسم (بیانیه کارگران تکنوکار) شروع شده و در اول آن نوشته شده " ما کارگران شرکت تکنوکار" و در آخر آن هم نوشته شده " کارگران‌تکنوکار" یعنی مشخصا" در سه‌جای این بیانیه همانطور که از عنوان جمله، اول وآخر آن‌برمی‌آید از "کارگران‌تکنوکار" نام برده شده و نه حتی بیانیه کمیته یا شورای تکنوکار. ولی رفقا سعی می‌کنند با سفسطه و دلیل‌های من درآوردی، این اعلامیه‌را به‌اسم شورای تخیلی تکنوکارجا بزنند و وانمود می‌کنند که "کمیتهٔ تکنوکار شورا شد".

در صفحهٔ ۱۲ رفقا برای فحاشی کردن به‌کمیتهٔ‌کارگران و اثبات اینکه این کمیته به‌دلیل موجود نبودن شرایط عینی نمی‌توانست جنین یک شورای واقعی باشد به استالین متوسل می‌شوند درحالی‌که نوشتهٔ استالین کاملا" خلاف گفتهٔ‌آنها را ثابت می‌کند. رفقا معتقدند که شرایط عینی تشکیل شورا در ایران نبوده‌و بنابراین کمیته تکنوکار نیز نمی‌توانست جنین یک شورای انقلابی باشد، درحالیکه استالین می‌گوید:

" اگر موقعیت برای یک مبارزهٔ توده‌ای مستقیم علیه قدرت حاکم، برای یک قیام توده‌ای علیه آن قدرت برای سازمان دادن یک‌قدرت نوین انقلابی مناسب نباشد در آنصورت تشکل شورای کارگران زودرس خواهد بود". (سه‌مقاله از استالین دربارهٔ شورا، ص ۱۲)

در میهن‌ما هم موقعیت برای یک مبارزهٔ توده‌ای مستقیم علیه قدرت

www.iranarchive.com

حاکم (رژیم مزدور شاه) فراهم بود، هم یک قیام توده‌ای در راه بود و هم ضرورت سازمان دادن یک قدرت نوین انقلابی احساس می‌شد (و هنوز هم به‌دلیل ماهیت ضد انقلابی دولت موقت ضرورت ایجاد آن موجود است) . بنابراین در ایران قبل از قیام پرشکوه بهمن‌ماه و درجریان آن‌تشکیل شوراهای کارگری نه‌تنها زودرس نبود بلکه حیاتی هم‌بود .

***

رفقا در ص ۱۲ جزوه نوشته‌اند : " خواست سیاسی در بیانیه نه‌تنها ماهیت شورا را مخدوش نموده و آن‌را از محتوای انقلابی خود خالی کرده‌است بلکه شورا را تا به‌آنجا می‌رساند که حداکثر در کوره‌راههای پارلمانتاریسم‌قدم فرسایی‌می‌کند . واین در زمان وجود شورا آهنگ‌بازگشت به‌عقب بیشترنیست ، و قدم برداشتن به‌سوی دروازهٔ رویزیونیسم است" .

ما عین بیانیه‌را درصفحه‌بعد چاپ‌می‌کنیم تا همه باتوجه به‌آن درستی یا نادرستی نظریات ما را قضاوت کنند .

www.iran-archive.com

بیانیه کارگران تکنوکار

بدینوسیله اعلام می‌کنیم ما کارگران شرکت تکنوکار با آگاهی از اینکه در سالهای پیش یعنی از سالهای ۴۲ باینطرف وقتی که اکثر مردم دست از مبارزه کشیده بودند کارخانه‌ها میدان نبرد بین ستمکش و ستمگر، بین بهره‌ده و بهره‌کش، بین حق و باطل یعنی بین کارگر و کارفرما بوده است ، اکنون که با دادن شهیدان زیاد و مبارزات فوق‌العاده تا بدینجا رسیده‌ایم حاضر نیستیم که انقلابمان را نیمه‌کاره رها کنیم و بجزئی تغییرات راضی شویم . وقتی نخست وزیر موقت انقلاب اسلامی چنانکه از نامش پیداست باید انقلابی عمل کند یعنی هرچه سریعتر بقایای رژیم کهنه را از بیخ و بن برکند خودش پشت تلویزیون می‌گوید از من نخواهید انقلابی عمل کنم ، ما از او

می‌پرسیم پس چه بخواهیم ؟

ما کارگران شرکت تکنوکار با ارائهٔ خواستهای خود که در دو قسمت مطرح می‌شود :

۱ــ قسمت اول مطالبات خصوصی ما از شرکت است که تا آخرین دنیار آن‌را نگیریم از پای نمی‌نشینیم .

۲ــ خواستهای سیاسی خود را مطرح می‌کنیم و از کارگران شرکتهای‌دیگر می‌خواهیم که در صورت موافقت با خواستهای سیاسی ما پشتیبانی خودرا بهر وسیلهٔ ممکن از ما اعلام کنند .

الف ــ از دولت انقلابی توقع داریم هرچه سریعتر قوانین ضد کارگری کار را به‌نفع کارگران و با نظر شورای کارگران از هر کارخانه در وزارت کار تعویض کند .

ب ــ برای رسیدن به‌حق وحقوقمان از ما پشتیبانی کند و علی‌الخصوص از وزیر کار می‌خواهیم درست وزارت کار بدعت گذاشته و برای اولین‌بار حق را به حقدار یعنی کارگر بدهد .

ج ــ نظم اجتماعی کهنه‌را بهم‌ریخته و با وضع قوانین جدید سازمانهای جدیدی برای آنها بوجود آورد .

د ــ تا حد امکان بانکها و کارخانه‌های بزرگ‌را ملی کرده و در دست دولت متمرکز کند .

هـ ــ برای نابود کردن سرمایه‌های بزرگ که به فقر بزرگ ما کارگران می‌انجامد مالیاتهای تصاعدی با نرخ بالا بسته شود .

و ــ در مجلس موءسسان نمایندگان ویژهٔ کارگران در نظر گرفته شود .

" کارگران شرکت تکنوکار "

www.iran-archive.com

رفقا نوشته‌اند گنجانیدن خواست سیاسی در بیانیه آن را ازمحتوای انقلابی خود خالی کرده و آن‌را به کوره راههای پارلمانتاریسم و رویزیونیسم کشانیده، اولا" ما معتقدیم گنجانیدن خواست سیاسی در بیانیه به‌خودی‌خود این بیانیه‌را غیر انقلابی، رویزیونیستی و پارلمانتاریستی نمی‌کند. مساءله اینجاست که باید ببینیم که چه خواستهٔ سیاسی در این بیانیه آمده‌است. کارگران تکنوکار نوشته‌اند: " اکنون که با دادن شهدای زیاد و مبارزات فوق‌العاده تا به‌اینجا رسیده‌ایم، حاضر نیستیم که انقلاب را نیمه‌کاره‌رهاکنیم و به‌جرئی تغییرات راضی شویم " در این جمله خواست انقلابی کارگران کاملا" مشخص است ولی نقص و اشتباه اصلی این بیانیه آن‌است که هنوز کارگران به این دولت اعتماد داشته و فکر می‌کردند این دولت می‌تواند خواسته‌های آنها را برآورده کند. چون هنوز ماهیت طبقاتی دولت را نشاخته‌اند، و از اوسلب اعتماد نکرده و به ضرورت اقدام مستقل از طرف خود کارگران برای انجام خواسته‌هایشان نرسیده‌اند. این بیانیه به‌فاصله چند روز بعد از قیام درآمده و کارگران هنوز به‌هیچ وجه نمی‌توانستند تحلیلی جامع و کامل از " دولت موقت" داشته باشند. ولی در عین حال آشکارا" بیان کرده‌اند که خواهان ادامهٔ انقلاب هستند و خواسته‌های سیاسی آنها هم همه انقلابی است ولی راه رسیدن به خواسته‌ها را به طرز نادرستی مطرح‌کرده‌اند. آیا "ملی‌کردن بانکها و کارخانجات بزرگ و نابود کردن سرمایه‌های بزرگ و درهم‌ریختن نظم اجتماعی" خواسته‌های انقلابی نیستند؟ آیا مطرح‌کردن‌آنها باعث رویزیونیست شدن و پارلمانتاریست شدن کارگران می‌شود؟! آیا شرکت نمایندهٔ ویژهٔ کارگران در مجلس موءسسان، اگر به‌قصد دفاع از منافع کارگران و افشای ماهیت ضد کارگری و ضد انقلابی دولت باشد، بازهم عملی‌پارلمانتاریستی می‌باشد؟

***

در ص ۱۳ مقالهٔ " آیا شوراهای ما..." نوشته شده‌است: " دقت کنید! چه درسال ۱۷۹۲ و چه درسال ۱۸۷۱ در فرانسه و چه درسال ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ در روسیه کار شوراها هیچگاه در یوزگی از درگاه بورژوازی نبوده.

www.iranarchive.com

بلکه حکومت اضافی، فرعی، " کنترل کننده" بوده‌است. ولی در اینجا این " شورای"ما از دولت (بخوان دولت بورژوازی) پشتیبانی می‌خواهد و از وزیر کار گدایی حق می‌کند که در مجلس‌موءسسان نمایندهٔ ویژهٔ کارگران در نظر گرفته شود".

در اینجا رفقا علاوه بر زدن تهمت " در یوزگی و گدایی حق " به کارگران مبارز تکنوکار، تاریخ را هم دستکاری کرده‌اند. آنها میگویند درسال ۱۹۱۷ شوراها حکومت اضافی، فرعی و کنترل کننده بوده و از درگاه‌بورژوازی در یوزگی و گدایی نکرده‌اند. ولی واقعیت‌نشان‌می‌دهد که اکثریت شوراها در آوریل ۱۹۱۷ به‌دلیل خیانت اس ارها و منشویکها، به‌جای دریوزگی از بورژوازی، قدرت‌را دودستی به‌وی تقدیم کردند: " لیدرهای اس‌ارومنشویک کمیتهٔ اجرائی شوراها و حاکمیت آن‌را به بورژوازی واگذار کردند و شورای نمایندگان کارگران، دهقانان و سربازان که‌مجددا" از این موضوع خبردار شد با وجود اعتراض بلشویکها با اکثریت خود عملیات لیدرهای اس ارو منشویک را تصویب نمودند". (تاریخ مختصر حزب کمونیست شوروی، ص ۲۱۲)

واگذاری حاکمیت شوراها به بورژوازی کجا و فرستادن نماینده‌کارگران به پارلمان کجا!

البته ما نمی‌خواهیم نظر غلط کارگران تکنوکار را درمورد وزارت کار توجیه کنیم. این نظریه نادرستی است که به‌جای تشویق ابتکار کارگران و به جای اتکاء به مبارزه مستقل آنها، چشم‌امید به وزارت خانهٔ سرمایه داران دارد. ولی باتوجه به‌اینکه اکثریت کارگران، بعد از قیام دولت را انقلابی و و وزیر کار را هم انقلابی تصور میکردند و هنوز در عمل ماهیت ضد کارگری و ضد انقلابی دولت و وزیر کار را تجربه و لمس نکرده بودند، در چنین شرایطی طبیعی است که کارگران از دولت و وزیر " انقلابی" خواهان پشتیبانی باشند. البته کارگران بعدا" که با اقدامات ضد کارگری وزارت کار و دولت روبرو شدند، به‌این اشتباه خود پی بردند که‌نمی‌توان از وزارت‌خانهٔ سرمایه‌داران انتظار پشتیبانی از کارگران را داشت. ولی کارگران هنگامی

www.iran-archive.com

پذیرای این نظر شدند که خودشان در تجربهٔ مستقیم و عملی خویش بادولت و وزارت‌کار روبرو شدند. در شرایطی که فقط چند روز از عمر دولت موقت میگذرد و هنوز وزارت کار ماهیت واقعی خود را نشان نداده و کارگران با هیچ موردی از خیانتهای آن روبرو نشده‌اند، چگونه می‌توان انتظار داشت که کارگران ماهیت ضد کارگری وزارت کار را افشاء کنند؟

رفقا بهتر است برخورد بلشویکی به‌کارگران را از لنین یادبگیرند.

کارگران سن‌پترزبورگ در روز یک‌شنبه خونین سال ۱۹۰۵ به‌رهبری‌کشیش گاپون که جاسوس تزار بود، برای گرفتن خواسته‌های خود در مقابل کاخ‌تزار جمع میشوند و میگویند " ما کارگران سن‌پترزبورگ به درگاهت روی آورده‌ایم. ما بدبختیم... اعلیحضرتا، از کمک به مردمتان امتناع نورزید! دیواری‌که حضرتت را از مردمت جدا می‌کند از میان بردارید. دستور بفرمائید که خواسته‌هایمان اجابت شده و شما روسیه‌را خوشحال خواهید کرد...". (لنین ــ چگونگی برخورد به دولت موقت و چند مقاله دیگر ص ۳)

لنین در بررسی وقایع روز یکشنبه خونین بجای فحاشی به‌کارگرانی که از تزار گدایی حق‌می‌کنند میگوید: " کارگران تحصیل‌نکرده روسیه قبل ازانقلاب با اعمالشان ثابت کردند که مردمی بی‌ریا هستند که برای اولین‌بار به‌آگاهی سیاسی چشم دوخته‌اند. اهمیت تاریخی ۲۲ ژانویه ۱۹۰۵ در همین چشم گشودن‌توده‌های عظیم‌مردم به‌آگاهی سیاسی و مبارزه انقلابی نهفته‌است". (لنین، سخنرانی دربارهٔ انقلاب ۱۹۰۵، ص ۳)

اما وقیحانه‌ترین و بیشرمانه‌ترین تهمت رفقا به‌کارگران و کمیتهٔ آنها جایی است‌که میگویند: " در اینجا شورا حزب توده‌وار از دولت التماس‌دعا دارد". (ص ۱۳)

اولا" حزب توده مانند وزارت‌کار و دولت موقت و رویزیونیستهای سه جهانی و رفقا مخالف شورا بوده و هیچوقت آن را تائید نکرده است.

دوما" حزب توده به‌دلیل ماهیت سازشکارانه و ارتجاعی خود همیشه با طرح خواسته‌های سیاسی و انقلابی از طرف کارگران مخالفت می‌کند ومیکوشد مبارزات کارگران را درچارچوب خواسته‌ها ومبارزات اقتصادی نگهدارد، در

حالیکه بیانیه کارگران تکنوکار و مبارزات آنها در بسیاری از موارد محتوای سیاسی و انقلابی دارد . .

سوما " بسیاری از کارگران تکنوکار دشمن و مخالف سرسخت حزب‌توده و اربابش سوسیال امپریالیسم شوروی هستند و در نشریهٔ خود " تابلوسازمبارز " این دارودستهٔ خائن را به‌عنوان دشمن طبقهٔ کارگر و نوکر سرمایه‌داران‌حاکم در شوروی کنونی افشاء کرده‌اند . در چنین شرایطی آیا باید اشتباه‌کارگران را با مشی خائنانه و ارتجاعی حزب‌توده مقایسه کنیم و بگوئیم شورای کارگران "حزب‌توده‌وار "عمل‌می‌کند . . حزب توده برای فریب کارگران و شکست‌جنبش انقلابی خلقهای ما و برای حاکم کردن اربابان سوسیال امپریالیست خود بر میهن ما ، با آگاهی کامل‌به‌کاسه‌لیسی وگدایی‌از هیئت حاکمه مشغول است و از آنها التماس دعا دارد و به هیچوجه با کارگرانی که با خواست ادامهٔ انقلاب و نابودی نظم اجتماعی کهنه ، درمورد ماهیت وزارت‌کار دچار اشتباه‌شده‌اند ، قابل مقایسه نمی‌باشد . . رفقا در نوشتهٔ خود مرز میان خلق و ضد خلق را فراموش کرده و بدترین تهمت‌ها را به‌کارگران نسبت می‌دهند . . اگر با هر اشتباهی که از کارگران سر میزند ، روشنفکران انقلابی به‌جای ارشاد وراهنمائی کارگران آنها را " رویزیونیست ، پارلمانتاریست و توده‌ای‌وار " بدانند چگونه می‌خواهند با کارگرانی که اکثرشان بعلت نداشتن آگاهی سوسیال دمکراتیک دچار توهمات بورژوایی و خرده‌بورژوایی هستند کار کنند ؟

رفقا انتقاد و راهنمایی کارگران را با فحاشی و نفی مبارزات آنها عوضی گرفته‌اند و در سراسر نوشتهٔ خود کاری بجز عبارت‌پردازیهای روشنفکرانه و آوردن نقل قولهای سر و ته زده شده و نفی مبارزات کارگران و فحاشی و تهمت زدن به آنها انجام نداده‌اند . رفقا اگر قصد انتقاد و روشن کردن اشتباهات کارگران را دارند باید صادقانه و باتوجه به واقعیت عینی و با در نظر گرفتن مبارزات و نکات مثبت و دستآوردهای آنها به انتقاد از نکات‌منفی مبارزات و اشتباهات کارگران دست‌بزنند ولی رفقا دراین بررسی خودعمیقا " دچار تنگ‌نظری خرده‌بورژوایی شده و از یکسو مبارزات‌کارگران رانفی‌کرده‌اند و از سوی دیگر به‌آنها برچسب‌های ناروا و ضدانقلابی زده‌اند .

www.iran-archive.com

***

کارگران تکنوکار بعد از روی‌کار آمدن دولت‌موقت به مبارزات خودادامه دادند و دستآوردهای بسیاری کسب کرده‌اند. کارفرمای مزدور کارخانه برای اخراج کارگران مبارز و انقلابی قصد تعطیل آنجا را داشت و در کارخانه را بست ولی کارگران از دیوار بالا رفته و مدت سه‌روز کارخانه‌را در تصرف خود داشتند و کارفرما را مجبور به‌بازکردن کارخانه کردند. علاوه بر این عده‌ای‌از کارگران بطور متشکل و با پلاکارد به‌رهبری کمیتهٔ کارخانه در جشن اول ماه مه شرکت کردند.

کارگران برای مدت دوماه ۴۰ ساعت کار را عملی کردند ولی به‌دلیل توطئه‌های کارفرما و وزارت‌کار و اشتباهات کمیتهٔ کارگران موقتا" از این‌اقدام انقلابی خود دست کشیدند.

اعلام همبستگی با کارگران مبارز و اعتصابی آکام، دوزندگی ناظمیان، پارس مینو، متوساک، بنز خاور، ایران‌کاوه و زامیاد، شرکت در تحصن‌برای آزادی سعادتی، شرکت در تحصن و اعتصاب غذای کارگران بیکار در وزارت کار و اعلام همبستگی با کارگران بیکار متحصن در دادگستری، ایجادکتابخانه و برگزاری جلسات هفتگی و چاپ نشریهٔ "تابلوساز مبارز" از جمله‌اقدامات و مبارزات کارگران تکنوکار درچند ماه اخیر بوده‌است.

به‌امید روزی که همهٔ کارگران و زحمتکشان میهن ما با هم متحد شده و بساط حکومت زور و ستم و سرمایه را نابود کنند.

پیش به‌سوی ایجاد حزب طبقهٔ کارگر!

پیش به‌سوی ایجاد سندیکاهای واقعی کارگری!

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی!

برقرارباد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقهٔ کارگر!

تیرماه ۵۸

www.iran-archive.com